

# اسنادی درباره مجلس مؤسسان اول و انقراض سلسله قاجاریه

راضیه یوسفی نیا<sup>۱</sup>

چکیده:

این مقاله به بررسی یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران و اسناد مربوط به آن که در ابتدای قرن حاضر (سال ۱۳۰۴) رخ داده است، می‌پردازد. سردار سپه (رضا خان) که با سرکوب مخالفان داخلی و قدرت یافتن خویش قانع به مقام رئیس‌الوزرای و فرماندهی کل قوا نبود با هم‌اندیشی انگلیسی‌ها در صدد تغییر سلطنت ایران از قاجاریه به پهلوی بود لکن به دلیل مخالفت‌هایی که در جامعه داشت ابتدا شعار جمهوریت را که در آن ایام در مورد همسایه ایران ترکیه و تغییر نظام آن از امپراتوری به جمهوری رخ داده بود، مطرح کرد. بعد با استفاده از عدم حضور احمدشاه قاجار در ایران و موقعیت مجلس شورای ملی و وکلای موافق وی علی‌رغم مخالفت وکلای معروفی چون آیت‌الله مدرس، دکتر مصدق، ملک‌الشعرا بهار و ... بالاخره با تصویب مجلس شورای ملی و بعداً مجلس مؤسسان انقراض سلطنت قاجار اعلام و سلطنت ایران به پهلوی تغییر یافت و رضا خان به عنوان شاهنشاه ایران انتخاب و پس از او سلطنت ایران به اعقاب ذکور او نسلاً بعد نسل تفویض گردید.

مقدمه:

نقش مجلس پنجم در تشکیل مجلس مؤسسان و

## اصلاح قانون اساسی

موقعی که انتخابات دوره پنجم شروع شد همه می‌دانستند که این مجلس ممکن است به انقراض سلسله قاجار رأی دهد. در ابتدای مجلس نیز طبق معمول و کلاً بایست قسم می‌خوردند که به پادشاه وفادار باشند. اما این امر برای آنان مقدور نبود.

مؤتمن‌الملک<sup>۲</sup>، رئیس پر قدرت مجلس، چون نمی‌خواست در این جریان‌ات آلوده شود، در پانزدهم مهر ماه ۱۳۰۴ وقتی مجدداً به ریاست مجلس انتخاب شد از قبول این مقام خودداری کرد. و کلاً به مستوفی‌الممالک رأی دادند. او نیز قبول نکرد. به همین جهت سید محمد تدین - نایب رئیس مجلس - ریاست جلسات را به عهده گرفت و موضوع تغییر سلطنت را در دستور کار مجلس قرار داد. (نیازمند، ۱۳۸۱، ص ۲۴۴)

سردار سپه و دست‌نشاندهایش سعی نمودند بدون سر و صدا و هیاهو مقدمات خلع قاجار را فراهم نمایند. از اینرو تا اواخر مهر ماه ۱۳۰۴ تظاهرات شدیدی علیه قاجاریه به عمل می‌آوردند ولی سردار سپه مخفیانه تمهیدات لازم را فراهم می‌آورد. ملاقات با تنی چند از نمایندگان، من جمله تدین، سید محمد صادق طباطبایی، رهنما و ... چند شب قبل از نهم آبان حکایت از این موضوع داشت که سردار سپه تلاش می‌کرد نظر متنفذین و وکلای را به تغییر سلطنت و خلع قاجار جلب نماید.

اما تقریباً از اول آبان ماه این رویارویی علنی‌تر شد و تلگرافات زیادی از تمام ایالات و ولایات به مجلس و بعضی جراید علیه قاجاریه مخابره می‌شد.<sup>۵</sup> (سند شماره ۱) همچنین شب‌نامه‌های زیادی مبنی بر درخواست خلع احمد شاه و تنفر از سلسله قاجار در میان مردم توزیع می‌شد. خط

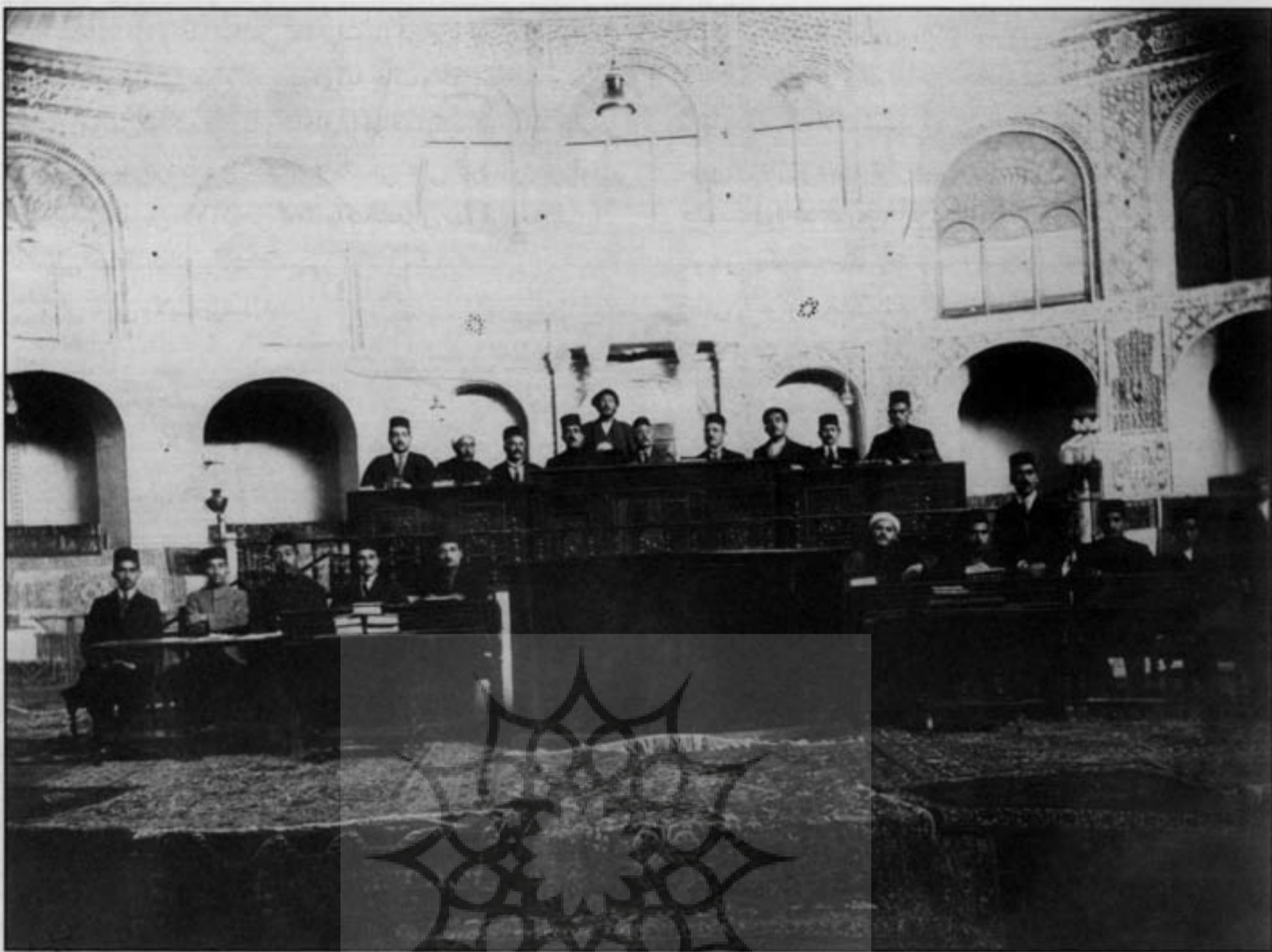
درست هنگامی که احمد شاه یقین داشت مجلس شورای ملی و در راس آن سردار سپه قادر نخواهند بود موادی از قانون اساسی را تغییر داده و به جای آن قوانین دیگری وضع کنند، شاهد رخدادهای دیگری بودیم که در نهایت منجر به انقراض سلطنت قاجاریه پس از ۱۵۴ سال حکومت در ایران گردید.

رضا خان با سرکوب سرکشان چون سمیتقو<sup>۲</sup> در آذربایجان و برکنار کردن شیخ خزعل<sup>۳</sup> از مسند قدرت در خوزستان، خود را قهرمان ملی جلوه داد، به گونه‌ای که هم مخالفان داخلی خلع سلاح شدند و هم شوروی‌ها اغفال گردیدند. رضاخان برای تصاحب قدرت بیشتر، به فکر تغییر رژیم بود چرا که با احراز مقام ریاست‌الوزرائی نه خود ارضاء می‌شد و نه استعمار انگلستان این هدف محدود را در ایران دنبال می‌کرد.

رضاخان و انگلیسی‌ها هر دو در اندیشه تغییر سلطنت در ایران بودند. اما چون طرح تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی در ابتدای نخست‌وزیری رضاخان ممکن نبود و مقاومت جدی جامعه را در پی داشت لذا برای آماده کردن افکار عمومی جامعه برای این تغییر، شعار جمهوری مطرح شد. و با توجه به اینکه مقارن همین ایام در ترکیه هم رژیم امپراتوری منحل و نظام جمهوری مستقر شده بود. این امر بهانه خوبی برای طرفداران رضاخان بود که تبلیغات وسیعی به راه بیندازند و خواهان استقرار نظام مشابهی در ایران شوند. برای تغییر، بهترین راه مجلس بود که می‌توانست چنین اقدامی را قانونی جلوه دهد. این جریان در آغاز انتخابات مجلس پنجم که سردار سپه با قدرت قشون و وزارت داخله، مجلس شورایی آراسته ترتیب داده بود، به وقوع پیوست.

۳۴  
مجلس مؤسسان





ضیاءالواعظین، آن لوس ریقو  
 کند از بهر جمهوری هیاهو  
 چه جمهوری؟! عجب دارم من از او  
 مگر او غافل است از قصد یارو  
 که می خواهد نشیند جای قاجار  
 همانطوری که کرد آن مرد افشار [= نادرشاه]

البته جدی ترین فرد ضد جمهوری سردار سپه، مدرس بود. وی اعتقاد داشت باید ریشه این خودسری را — که واقعاً برای کشور خطر بزرگی محسوب می شد — کند. مدرس مبارزات دامنه داری را آغاز کرد و شاید اگر تعداد اندکی که با او هم عقیده بودند وی را حمایت و پشتیبانی می کردند، با همه ناملایمات نظامی از عهده برچیدن اسباب قدرت سردار سپه بر می آمد. (مستوفی، ۱۳۲۶، ص ۴۳۰) افشاگری های مدرس نمایندگان موافق رضاخان را چنان خشمگین ساخت که در یکی از روزها در اتاق تنفس مجلس به تحریک تدین<sup>۷</sup>، احیاءالسلطنه سیلی محکمی به گوش مدرس نواخت.<sup>۸</sup> (سند شماره ۲) این عمل ناشایست، مخالفت های توده مردم را با جمهوری رضاخانی تشدید کرد و بسیاری از تلاش های طرفداران رضاخان بی اثر شد.<sup>۹</sup> (سند شماره ۳)

و انشای این شبنامه ها حکایت از این داشت که تنها عده خاصی در نگارش آن دست داشتند. تحصن عده ای در مدرسه نظام و اعلام انزجار از حکومت قاجاریه از جمله وقایع دیگری است که در همین راستا در اول آبان ماه بوقوع پیوست.

از روز پنجم آبان داور و تیمورتاش که علمدار تغییر سلطنت بودند و تنی چند از وکلای طرفدار سردار سپه، طرح مربوط به انقراض قاجاریه را تهیه و مخفیانه به نمایندگان ارائه نمود و بعد از جلب رضایت، از آنان امضاء می گرفتند. برخی از نمایندگان هم به هیچ عنوان زیر بار امضاء نرفتند. (مکی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۳) از این گروه معترضین می توان به دکتر مصدق، سید حسن مدرس، ملک الشعرا بهار، مستوفی الممالک، حسین علاء، مؤتمن الملک، تقی زاده و مشیرالدوله اشاره نمود که با ایراد خطابه هایی در مجلس شورای ملی به این امر اعتراض نمودند. مخالفت برخی چون ملک الشعرا بهار<sup>۱۰</sup> با قضیه جمهوری و تغییر سلطنت به حدی جدی بود که حتی یک بار عوامل سردار سپه قصد ترور وی را کردند اما اشتباهاً به جای او شخص دیگری را در مقابل مجلس شورای ملی، هدف گلوله قرار دادند. (مرسلوند، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۹) ملک الشعرا بهار اشعار طنزآمیز بلندی در موضوع جمهوری دارد به عنوان مثال:



بازار اعتصاب کرد و جلو مجلس تظاهرات بزرگی برپا شد. رضاخان به گارد مجلس دستور حمله داد و عده‌ای به خاک و خون افتادند. رئیس مجلس، مؤتمن‌الملک، شدیداً رضاخان را مؤاخذه کرد که به چه حقی دستور حمله به گارد داده در حالیکه فرماندهی عالی گارد با رئیس قوه مقننه بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۳۸۴) ملک‌الشعراى بهار قیام خونینی را که سیلی احیاءالسلطنه برانگیخت چنین توصیف کرده است:

از آن سیلی ولایت پرصدا شد

دکاکین بسته و غوغا به پا شد

به روز شنبه مجلس کربلا شد

به دولت روی اهل شهر وا شد

که آمد در میان خلق سردار

برای ضرب و شتم و زجر و کشتار

قشونی خلق را با نیزه راندند

ولی مردم بجای خویش ماندند

رضاخان را بجای خود نشانند

بجای گل بر او آجر پراندند

بسی پیر و جوان سرنیزه خوردند

گروهی را سوی نظمیه بردند

چهل تن اندر این هنگام مردند

برای حفظ قانون جان سپردند

دو صد تن تا کنون هستند بیمار

به ضرب ته تفنگ و زیر آوار

(شهبازی، ۱۳۸۳)

رونه برتران (Rene Bertrand)، وابسته نظامی فرانسه در گزارش کوتاهی که به کشورش ارسال نمود تحت عنوان «انقراض سلسله قاجاریه» اشاره دارد:

اول نوامبر ۱۹۲۵ (۱/آذر/۱۳۰۴)، وزیر امور خارجه ایران، به تمام نمایندگی‌های خارجی مقیم ایران ابلاغ کرده است که «در اثر شورش‌های ضد سلسله قاجار و تلگراف‌های مخابره شده از شهرستان‌ها به تهران به منظور خلع این سلسله و برای جلوگیری از آشوب بیشتر و وخیم شدن اوضاع، مجلس، به خواسته‌های مردم جواب مثبت داد و خلع این سلسله را تصویب کرد و دولت موقت، به ریاست «والاحضرت رضا خان پهلوی» تشکیل شده است تا اینکه مجلس مؤسسان، تشکیل جلسه دهد و شکل دولت جدید را تصمیم بگیرد... تظاهر کنندگانی هم به حمایت از رضا خان گرد آمده بودند و عنوان «شاه» را به رضا خان و اعلام سلسله جدید پهلوی را سر می‌دادند. امشب، ماموران امنیه تهران، با چراغانی کردن خیابانها، عکس رضا خان پهلوی را زیر تاج شاهنشاهی

نصب کرده بودند. (برتران، ۱۳۸۱، ص ۹۶)

سرانجام علی‌رغم تمامی مخالفت‌ها که از طرف علما و اصناف و نمایندگان محلات شهر تهران و سایر ایالات و ولایات به مجلس شورای ملی و ممانعت از تغییر اصول قانون اساسی به منظور تغییر حکومت ابراز شد، روز ۹ آبان ۱۳۰۴ ضمن تصویب انقراض قاجاریه و تفویض حکومت موقتی به شخص سردار سپه تعیین تکلیف حکومت قطعی را موکول به تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح و تغییر مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی نمودند.

ازینرو در تاریخ ۱۷ آبان ماه ۱۳۰۴ مبلغ پنجاه هزار تومان برای مخارج تشکیل مجلس مؤسسان و در ۲۴ آبان ماه مبلغ پنجاه هزار تومان دیگر برای مخارج انتخابات مجلس مؤسسان تصویب گردید و در ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ روز ختم مجلس دوره پنجم مبلغ یک صد هزار تومان برای مخارج جشن جلوس و تاجگذاری رضا شاه پهلوی تصویب شد. (گلشایان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۲)

### پیشنهاد عدم صلاحیت سلطنت قاجار و ماده واحده انقراض قاجاریه

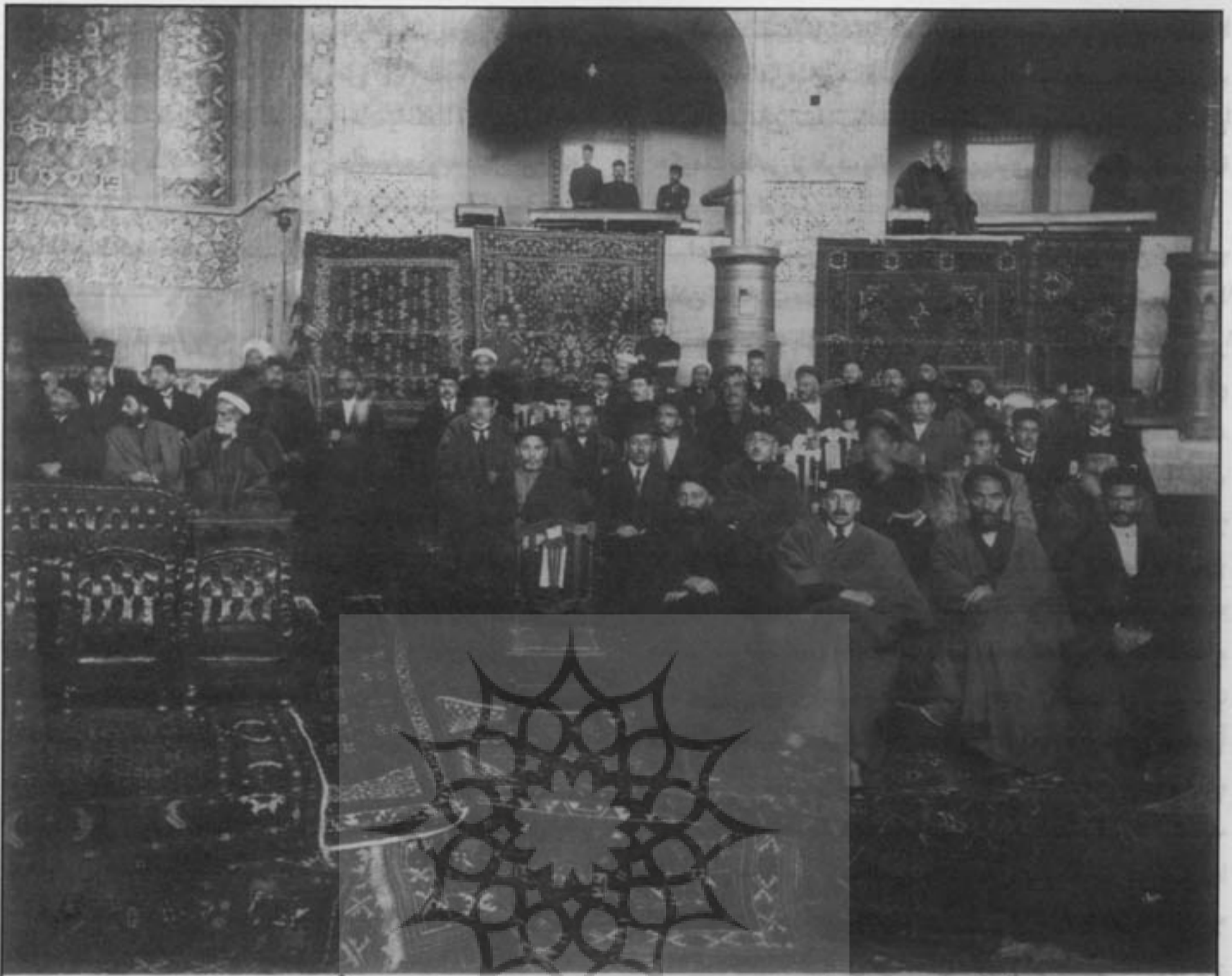
در روز نهم آبان ۱۳۰۴ پیشنهادی به شرح ذیل از طرف عده‌ای از نمایندگان قرائت شد:

«نظر به این که عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتی که از این خانواده می‌شود به درجه‌ای رسیده که مملکت را به مخاطره می‌کشاند، نظر به این که حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورای ملی است و هر چه زودتر به بحران فعلی خاتمه باید داد امضا کنندگان با قید دو فوریت پیشنهاد می‌کنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید:

ماده واحده - «مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقا رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.»<sup>۱۰</sup> (سند شماره ۴)

پس از نطق‌های نمایندگان موافق و مخالف، فقط چهار نفر از نمایندگان علناً با طرح ضدیت نشان داده و علیه آن صحبت کردند. بقیه آنها رضاخان را ستودند. هیچ کدام به هیچ صورت کلمه‌ای به نفع قاجار یا در دفاع از احمدشاه نگفتند. اولین نماینده مخالف سید حسن تقی‌زاده<sup>۱۱</sup> بود. در سخنان او حتی اشاره‌ای قوی به این امر بود که او شخصاً طرفدار جلوس رضاخان بر تخت سلطنت است به شرط آنکه راهی درست و قانونی پیدا شود، ولی با طرح پیشنهادی که با عجله تهیه شده موافق





قسمتی از قایمان نمایندگان محترم مجلس موسسان ایران با ع. بهرمنی  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجلس هم بیکار ننشسته و در اجرای نقش متعارف خود قوانین لازم را به تصویب رسانده است. به زبان محترمانه از همکارانش می‌خواست تا مانع شاهی رضاخان شوند چون او طبیعتاً مستبد است، و طولی نخواهد کشید که قدرت را منحصر به خود می‌کند. برخورد مصدق و رضاشاه حتمی بود و چنین هم شد. مصدق در زمان رضاشاه به تبعید رفت و تا برکناری او از سلطنت در شهریور ۱۳۲۰ به صحنه سیاسی برنگشت. سخنران آخر یحیی دولت‌آبادی<sup>۱۳</sup> بود که از شتاب بیجا در تهیه طرح انتقاد کرد. همچنین به شکوه گفت که شب پیش یاران رضاخان به او فشار آورده‌اند تا طرح را امضا کند. وی در خصوص طرح ارائه شده نیز گفت که ماده واحده درباره سه موضوع نامربوط و علیحده است: خلع سلسله قاجار؛ رضاخان به عنوان پادشاه آینده؛ و اصلاح قانون اساسی. این مطالب باید در سه طرح جداگانه به مجلس تقدیم شود. وی شخصاً مخالف قاجارها است و به خلع این سلسله رأی می‌دهد.

نیست. مخالف بعدی حسین علاء<sup>۱۴</sup> بود، که مختصرتر از سه نفر دیگر حرف زد. علاء که نماینده مبرزی بود و نه خطیب خوبی، استدلال کرد که این طرح برخلاف قانون اساسی است، و مجلس صلاحیت رأی دادن به آن را ندارد. سومین و بهترین سخنران، محمد مصدق بود که بحثی بسیار مستدل، هرچند پیچیده، پیش کشید. بدین مضمون که رضاخان در مقام رئیس‌الوزراء و فرمانده کل قوا خدمات ارزنده‌ای به مملکت کرده است، و نگهداری او در این سمت همچنان اثر مطلوب و سود بیشتر خواهد داشت. ولی اگر شاه شود، دیگر طبق قانون اساسی فعلی نمی‌تواند مقام اجرایی داشته باشد و بنابراین کشور رئیس‌الوزرایی مؤثر را از دست می‌دهد. و اگر پس از جلوس بر تخت سلطنت، رضاخان کماکان اعمال قدرت اجرایی کند، برخلاف نص صریح قانون اساسی رفتار کرده است. مصدق به آنچه گفت اعتقاد داشت. گوشه و کنایه‌ای در سخنانش نبود. او معتقد بود که رضاخان به طور کلی کارهای زیادی انجام داده است و



هر چهار سخنران، پس از نطق خود از جلسه بیرون رفتند و در رأی گیری شرکت نکردند. (غنی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱) عموم نمایندگان به عدم لیاقت سلسله قاجاریه رأی دادند و این ماده واحده با اکثریت آراء ۸۰ نفر از عده حاضر - ۸۵ نماینده مجلس - تصویب و به دنبال آن رضا خان سردار سپه، به عنوان رئیس دولت، از طرف مجلس مسوول اجرای انتخابات و تشکیل مجلس مؤسسان گردید.<sup>۱۳</sup>

### سلطنت انتخابی

بعد از تصویب ماده واحده مبنی بر خلع سلسله قاجاریه و قبل از تشکیل مجلس مؤسسان نظر این بود که سلطنت انتخابی باشد ولی استثنائاً در مورد سردار سپه مادام العمر بوده ولی بعد از وی تکلیف جانشین او را مجلس شورای ملی معین نماید. در اتخاذ این تصمیم قبل از تشکیل جلسه نهم آبان ماه بین سردار سپه و موافقینش موافقت حاصل شده بود و پس از خلع قاجار نیز تصور می شد که سردار سپه در سلطنت انتخابی مخالفتی ننماید و به همین منظور عده ای از آزادی خواهان (شیخ محمدحسین یزدی<sup>۱۵</sup> و سلیمان میرزا<sup>۱۶</sup> و غیره) و نمایندگان مجلس هم با انقراض قاجاریه موافقت کردند ولی پس از این که انتخابات مجلس مؤسسان شروع شد و عده ای نیز انتخاب گردیدند سردار سپه از قولی که داده بود عدول نمود و خواست که سلطنت را در خانواده خود موروثی نماید

در این میان عده ای که قبلاً با سردار سپه بر روی سلطنت انتخابی توافق کرده بودند ناگهان از این تصمیم مطلع شدند و در صدد مخالفت با این تصمیم بر آمدند و جسته گریخته در اطراف آن سر و صدا راه انداختند. اما علی رغم این جریانات سردار سپه حاضر به قبول سلطنت انتخابی نشد. از این رو هنگامی که مجلس مؤسسان تشکیل گردید، سلیمان میرزا با این که یکی از موافقین جدی سردار سپه و از طرفداران خلع قاجاریه بود و قاعدتاً بایستی با سلطنت سردار سپه هم موافق باشد در مجلس مؤسسان با سردار سپه تقریباً مخالفت نمود. (مکی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۴۴)

### انتخابات مجلس مؤسسان

لغو حکومت نظامی در نقاط مختلف کشور و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان، اولین اقدام سردار سپه بود. در اعلامیه ای که منتشر شد آمده بود:

«اعلان مؤسسان - در نظر داریم که مجلس شورای ملی، پس از الغای سلطنت قاجاریه و تعیین حکومت قطعی را به ملت یعنی مجلس مؤسسان واگذار نموده بدیهی است ابراز حق حاکمیت ملل فقط روی قاعده انتخاب است و این اصل چون مستقیماً غیر ممکن

بود لابد با دست نمایندگان ملت باید انجام بگیرد و چون انتخاب با حکومت نظامی مناسبت قانونی نداشت، لذا در تعقیب همین نظریه علاوه از فرمان انتخاب اعضای مجلس مؤسسان اعلامیه الغای حکومت نظامی از طرف والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقت ایران صادر گردید:

اعلامیه رئیس حکومت موقتی مملکت - در این موقع که تمام اعلان انتخابات مجلس مؤسسان داده شده، مقرر می داریم که تا خاتمه انتخابات مزبور، قوانین حکومت نظامی در نقاطی که برقرار است موقوف الاجرا خواهد بود. رضا» (طهماسب، ص ۳۹۶)

خلاف آنچه در اعلان مذکور بدان اشاره رفت این انتخابات کاملاً کنترل شده بود. به استثنای مورخین هوادار سلسله پهلوی، اغلب مورخین جریان انتخابات مجلس مؤسسان را بر اساس زور و جبر و غیر مردمی توصیف کرده اند، عبدالله مستوفی می نویسد: «در همه جا سعی شده است که اشخاصی انتخاب شوند که موافقت آنها به سلطنت پهلوی مسلم باشد و در حقیقت دولت نام هر کس را می خواست از صندوق بیرون می کشید مع هذا عده زیادی از اشخاص از مرکز و ولایات انتخاب شده بودند که عده ای از آنها وکلای موافق پهلوی در مجلس شورای ملی بودند، حتی بعضی هم که در روز نهم آبان شاید عمداً غیبت کرده بودند، بعد از آن که دیدند کار گذشته، به داوطلبین عضویت در مجلس مؤسسان عذر مافات خواستند» (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۶۸) ایوانف مورخ روسی می آورد: «در ماه نوامبر ۱۹۲۵، انتخابات مجلس مؤسسان صورت گرفت. توده های وسیع مردم عملاً در این انتخابات که سخت تحت فشار مقامات دولتی انجام می گرفت و کاملاً قلابی بود شرکت نداشتند. صورت اسامی نمایندگان مجلس مؤسسان قبلاً بوسیله کارمندان دولتی و پلیس تهیه شده بود، تقریباً همه آنهايي که به عنوان نمایندگان مجلس مؤسسان [انتخاب] شدند، بدون استثنا از طرفداران پادشاهی رضا خان، مالکان، بازرگانان و روحانیون بودند.» (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۷۶) از انتخاب افرادی که واقعا دارای آراء مستقل بودند ممانعت شد و افرادی چون مصدق السلطنه، مشیرالدوله، مومن الملک، مدرس، تقی زاده و غیره انتخاب نشدند و عده کثیری از افراد غیر سرشناس که سوابق روشنی هم نداشتند انتخاب شدند. نمونه اخلاص در انتخابات در شکایت اهالی ولایت عراق<sup>۱۷</sup> از انجمن نظارت بر انتخابات بود که ضمن تلگراف های مکرر درخواست انحلال آن و جلوگیری از آراء تحمیلی را داشتند.<sup>۱۸</sup> (سند شماره ۵)

در تهران مطابق اعلان انجمن نظارت بر انتخابات مجلس مؤسسان، از روز سه شنبه ۱۹ تا شنبه ۲۳ آبان، از ساعت ۴ قبل از ظهر و از ساعت یک تا ساعت ۷ بعد از ظهر مدت زمان برگزاری



انتخابات اعلام گردید. تعداد انتخاب شوندهگان در تهران ۲۴ نفر بود که رای دهندگان می‌بایست تعرفه گرفته و قبل از ورود به انجمن نظارت، اسامی منتخبین را روی کاغذ سفید نوشته و تسلیم نمایند. انتخابات تهران پیش از سایر نقاط کشور برگزار گردید.

انجام این انتخابات در شرایط سیاسی خاصی صورت می‌گرفت که رضا خان را به شتاب در آن وا می‌داشت، عواملی از قبیل *آشفستگی و سردرگمی اجتماعی، عدم ثبات سیاسی، عدم حضور احمد شاه در ایران* سبب می‌شد که نظامنامه انتخاب اعضا<sup>۱۱</sup>، قوانین و اعلانات یکی پس از دیگری ابلاغ و به مورد اجرا در آیند. (دلفانی، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

انتخاب شوندهگان مجموعاً ۲۷۲ نفر<sup>۱۲</sup> بودند (سند شماره ۶) و در میانشان افرادی از رجال سیاسی و مذهبی تهران همچون امام جمعه خوئی، حاج حسین امین‌الضرب، سلیمان میرزا اسکندری، مستشارالدوله صادق از دموکراتهای تندرو، حاج محمدعلی بادامچی، میرزا مهدی ملکزاده (پسر ملک‌المتکلمین از مشروطه‌خواهان پرآوازه)، عدل‌الملک دادگر از نزدیکان سابق سید ضیاء، شکرالله خان قوام‌الدوله، میرزا هاشم آشتیانی و سید ابوالحسن خائری‌زاده از نزدیکان مدرس و اعیان و ملاکانی چون قوام‌الملک شیرازی، سردار فاخر حکمت، مشارالدوله، مرتضی قلی بیات و محمودلی خان اسدی نیز حضور داشتند. همچنین ارباب کیخسرو زرتشتی، آکس آقایان و آکساندر طونیانس ارمنی و مسیو هایم کلیمی به نمایندگی از اقلیت‌های مذهبی در مجلس مؤسسان حاضر بودند.

### افتتاح مجلس مؤسسان و شروع سلطنت پهلوی

انتخابات مجلس مؤسسان به سرعت انجام گرفت و مجلس روز پانزدهم آذر ماه ۱۳۰۴ در تکیه دولت با نطق افتتاحیه رضا خان پهلوی رئیس حکومت موقت کار خود را آغاز کرد. پس از پایان مراسم افتتاح، نخستین جلسه مجلس مؤسسان به ریاست سنی حجه‌الاسلام<sup>۱۳</sup> حاج شیخ محمد حسین یزدی تشکیل گردید و موافق نظامنامه داخلی<sup>۱۴</sup>، به انجام امور مقدماتی پرداخت. در این جلسه آقای میرزا صادق صادق (مستشارالدوله)<sup>۱۵</sup> به ریاست و سهام‌السلطان بیات و عدل‌الملک دادگر به نیابت انتخاب شدند. مجلس مزبور ظرف هفت روز اصول ۲۶-۳۷-۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را تغییر داد و سلطنت دائمی ایران را به رضا پهلوی و اعقاب ذکور وی واگذار کرد. رضا شاه روز ۲۴ آذر ۱۳۰۴ با تشریفات خاص مراسم تحلیف را در مجلس شورای ملی به عمل آورد و روز بعد به تخت سلطنت نشست. سر پرسی لورن<sup>۱۶</sup> (Percy Lyham Loraine)، وزیر مختار انگلیس بعنوان شیخ‌السفرا تبریک گفته سعادت و ترقی شاه و ملت ایران را آرزو کرد. (عاقلی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۶)

سرپرسی لورن در خاطرات خود می‌گوید: در این مراسم، بلوچ‌ها با کمربندهای سگ‌دار و ترکمن‌ها با کلاه پوست و پیراهن ابریشمی و بختیاری‌ها با کلاه نمدی سفید و نیم‌تنه سیاه و کردها با عمامه‌های حاشیه ابریشمی و قشقای‌ها و لرها هر یک با لباس مخصوص شرکت داشتند. وقتی درها باز شد یک پسر بچه که یونیفورم نظامی به تن داشت وارد شد. او ولیعهد بود. رضاشاه با لباسی مملو از جواهر و نشان که بر جغه‌گاهش کوه نور می‌درخشید با یک شنل آبی‌رنگ مملو از مروارید وارد شد و به طرف تخت طاووس رفت. مردان و زنان ادای احترام کردند و علما با گامهای سنگین جلو آمدند. ولیعهد از ترس گوشه‌شنل پدرش را گرفته بود. در گذشته رسم بود که علما تاج را بر سر شاه می‌گذاشتند اما رضاخان با دست خود کلاهش را برداشت و سپس تاج را خود بر سر نهاد. در حالی که دو وزیر کنارش ایستاده و تاجهای پادشاهی از اعتبار ساقط شده قاجاریه را در دست داشتند. مستشارالدوله رئیس مجلس مؤسسان یک عصای جواهر نشان و سرلشکر طهماسبی وزیر جنگ شمشیر الماس نشان نادرشاه را به شاه دادند. رضاشاه در حالی که تاج بر سر و عصای سلطنتی به دست و شمشیر نادری را به کمر داشت خطابه خود را خواند. و پس از پایان مراسم آهسته سالن را ترک نمود. (نیازمند، ۱۳۸۱، ص ۷۶۱)

به هنگام رأی‌گیری حتی یک نفر در مخالفت با پادشاهی رضاخان رأی نداد (رأی‌گیری مخفی بود و سه نفر رأی ممتنع و ۱۲ نفر هم غایب بودند). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گروه بزرگی از نخبگان جامعه ایران در آن مقطع در خصوص پادشاهی رضاشاه به تفاهم رسیده بودند (هرچند فضای اربعانی<sup>۱۷</sup> که هواداران او علیه اقلیت مخالف ایجاد کرده بودند، نباید نادیده گرفت). سرپرسی لورن، در گزارشی به وزیر خارجه کشورش این موضوع را این‌طور بیان کرده است: «بیش از نیمی از روشنفکران تا حدی موافق تغییرند ولی تعداد بسیار کمتری از ایشان آماده‌اند از او طرفداری کنند.» (پارسا‌نژاد، ۱۳۸۳)

دشوار بتوان پی برد که توده مردم در این انتخابات تا چه اندازه حمایت کرده‌اند، ولی در انتخابات مجلس ششم، که تنها انتخابات تهران (خرداد ۱۳۰۵) آزاد برگزار شد، حتی یک نماینده از میان کسانی که به تغییر سلطنت رأی داده بودند انتخاب نشد، حتی سلیمان میرزا نیز که از دیرباز محبوب رأی دهندگان تهرانی بود! در عوض، کسانی رأی آوردند که رسماً با آن مخالفت کرده بودند مثل مدرس و مصدق و تقی‌زاده و نیز گروه دیگری که مردم می‌دانستند با آن مخالف بوده‌اند مانند مستوفی و مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک. واکنش در ولایات نیز از استقبال مردم حکایت نمی‌کرد. سفارت انگلیس در تهران به کنسولگری‌هایش در شهرها و شهرستان‌ها دستور داده بود بی‌طرفی خود را اکیداً حفظ



کنند و موضوع را امری کاملاً داخلی و مربوط به خود ایرانیان تلقی کنند. فقط خواسته بود واکنش مردم را در برابر این دگرگونی بزرگ گزارش بدهند. در اجرای این درخواست سیزده گزارش کوتاه واصل شد: اصفهان: «مردم هیچ علاقه‌ای نشان نمی‌دهند» مشهد: استقبال چندانی از جشن‌ها نشد و مردم شهر تغییر سلطنت را «برد انگلیسی‌ها و باخت روس‌ها» برشمردند. تبریز: «توده مردم» بی‌اعتنایی نشان دادند. شیراز: «با استقبال سردی» روبرو شد و مردم می‌گفتند تلگراف‌هایی که از مجلس خواستار تغییر سلطنت شده‌اند «کار دار و دسته کوچکی» بوده است. کرمان: «هیچکس جرأت ابراز عقیده مخالف را نداشت» اگرچه مردم خود قاجاریه را مقصر می‌دانستند و در عین حال از «تقویت بیشتر قوای نظامی» نگران بودند. رشت: «هیجانی برنیاکیخت» بوشهر: مخالفت خاموشی وجود داشت، ولی در یزد این تغییر «ظاهراً مقبول افتاده است» و تنها در سیستان این خبر «همه را از نظامی و غیرنظامی به وجد آورد».

رویه‌م رفته به نظر می‌رسد که اهالی شهرها، به طور کلی، از سقوط قاجاریه افسوس نخوردند اما از ورود سلسله جدید هم خوشحال نشده‌اند. تازه این در زمانی بود که رضاخان در اوج محبوبیت خود بسر می‌برد و گسترده‌ترین پایگاه را در طول دوره کاریش ۱۳۲۰-۱۳۹۹ داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۳۹۸)

### مجلس مؤسسان و اصلاحات در قانون اساسی

بدین ترتیب مجلس با اصلاح سه اصل ۲۶، ۲۷ و ۲۸ متمم قانون اساسی، سلطنت مشروطه ایران را به رضا شاه پهلوی تفویض و در اعقاب

ذکور او نسلاً بعد نسل برقرار نمود. همچنین مقرر شد که ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود و نیز در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد وقتی می‌تواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد.<sup>۳۴</sup> (سند شماره ۷)

پس از تصویب اصول مذکور بنا به پیشنهاد آقای مستشارالدوله صادق و بر طبق مواد ۶۳ و ۶۴ نظامنامه یک هیئت ۳۶ نفری بحکم قرعه از طرف مجلس مؤسسان برای عرض تبریک و تقدیم یک نسخه از مصوبه مجلس مؤسسان به رضا شاه انتخاب گردید. نسخه دومی نیز برای دولت فرستاده شد.

در آخرین جلسه مجلس مؤسسان که ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴ (۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق) تشکیل شد، پس از تصویب صورتجلسه قبل، آقای مستشارالدوله در سخنانی اظهار داشت: «آقایان محترم از اطراف و اکناف مملکت با سرعتی که تا بحال در ایران سابقه نداشته برای تشکیل مجلس مؤسسان و اصلاح چهار اصل متمم قانون اساسی به سوی مرکز شتافتند و این آرزوی ملی را صورت فعلیت بخشیدند. لهذا همانطوری که آقایان تشریف آوردند و به میمنت و سعادت مجلس مؤسسان تشکیل شد همینطور هم به میمنت انحلال می‌یابد.» مجلس مؤسسان یک ربع قبل از ظهر ختم شد.<sup>۳۵</sup>

در گزارش ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴ ارائه شده به ریاست مجلس شورای ملی آمده است که کلیه اسناد مربوط به مجلس مؤسسان در بخش جداگانه‌ای به نام آرشیو مجلس مؤسسان ضبط و نگهداری خواهد شد.<sup>۳۶</sup>

## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### رتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، یکی از مراکز علمی و پژوهشی مهم کشور است که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند. این پژوهشگاه در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دارای مراکز تحقیقاتی، مراکز آموزشی و مراکز فرهنگی است. این پژوهشگاه در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند و در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دارای مراکز تحقیقاتی، مراکز آموزشی و مراکز فرهنگی است. این پژوهشگاه در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند و در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، یکی از مراکز علمی و پژوهشی مهم کشور است که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند. این پژوهشگاه در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دارای مراکز تحقیقاتی، مراکز آموزشی و مراکز فرهنگی است. این پژوهشگاه در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند و در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.



## سند شماره ۱

این تلگراف توسط چند تن از نمایندگان انجمن نهضت ملی مشهد ارسال شده که درخواست پذیرش سلطنت از سوی سردار سپه را دارند.

سنه ۱۳۰۴

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۴۸

از مشهد سر	نمره قبض ۳۱۵	عدد کلمات	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به طهران	نمره تلگراف ۴	۱۸۱	۱۶	۱۷/۹

سره سنیه بندگان اعلیحضرت اقدس اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه چهار کپیه ساحت منیع مجلس مقدس ملی مؤسسان کمیسیون نهضت مختلط نهضت طهران جریده ایران شفق سرخ سابقاً تحت چندین درخواست از ذات مقدس اعلا استدعای قبول سلطنت دائمی ایران را نموده و از تمام برادران ایرانی برای نیل به این مقصود و امال ملی کمک خواسته هنوز جواب موافق آرزوی عموم ملت از آن ذوات مقدس داده نشده است لذا نظر باینکه نمایندگان محترم مجلس مؤسسان در مرکز حاضر و مجلس ملی مؤسسان افتتاح شده است نهضت ملی مشهدسر و توابع با نهایت بی صبری درخواست آقای خود را تعقیب و صریحاً عرض مینمائیم تا ذات مقدس اعلیحضرت تکیه باریکه سلطنت جمشیدی نزنند دست از نهضت‌های عمومی و قیام ملی برنداشته و با هر قدر و قیمتی در مقابل هر گونه پیش آمد ولو به ریختن خون خودمان حاضر و مقاومت خواهیم نمود نمایندگان انجمن نهضت ملی مشهدسر نمره ۲۸ مرتضی حسینی فراهانی غلامرضا سید ذبیح‌الله محمد تازی موسی علی اکبر تبریزی ناب تقی سید حسین مهدی (تلگرافخانه مبارکه)

[در حاشیه]

[در حاشیه پشت سند]

مجلس مقدس مؤسسان

نمره ۲۸۳

جواب نوشته شود

ورود به دارالانشاء مجلس مؤسسان

مجلس در انجام وظایف مقرر مشغول است [امضا]

تاریخ ۸۱ / آذر ماه / ۱۳۰۴

## سند شماره ۲

نامه جمعی از مردم در اعتراض به اهانتی که به آیت‌الله مدرس شده بود.

هیئت مؤتلفین ناحیه پنج قنات آباد طهران

تاریخ ۲۹ شهر ۱۳۴۰

مطابق ۲۹ برج حوت ثیل ۱۳۰۲

نمره ۶۲

توسط ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی

مقام محترم نمایندگان محترم مجلس مقدس شورای ملی

بر هیچ یک از ذوات محترم مستور نیست که اساس تشکیلات فعلی مملکتی ایران بر استوار داشتن مقام مقدس دیانت اسلامی بوده و شاهد کافی بر این دعوی قانون اساسی مملکت و نظامات مقرر است و اجرای این اصل ثابت غیر قابل تغییر جز واگذارن اختیارات به کف نمایندگان با صلاحیت نیست و افراد نیز ذمه‌دار حفظ حدود نمایندگان خود هستند خصوصاً در صورتیکه اداء این وظیفه با نگاهداری مقام مقدس روحانیت توأم باشد، لذا این هیئت بدون آنکه در جریان سیاست قدمی گذارد تأثرات خود را نسبت به اهانتی که به حضرت مستطاب حجت‌الاسلام آقای سید حسن مدرس نماینده محترم شده است اظهار داشته منتظریم که هیئت نمایندگان علاقمند به حفظ مذهب در جبران این گونه آثار که ناهی اصل دیانت است خود را ذمه‌دار فداکاری دانسته جلوگیری از تکرار نظائر این قبیل قضایا را وجهه همت عالی خود قرار دهند.

از طرف هیئت مؤتلفین ناحیه ۵ کریمی زند (هیئت مؤتلفین ناحیه ۵، ۱۳۴۲)

[در حاشیه] جزو دوسیه مخالفین جمهوریت ضبط شود.





### سند شماره ۳

نامه عدمای از نمایندگان، اصناف و علمای تهران به مجلس در خصوص اعتراض به تغییر مواد قانون اساسی.

۱۴ حمل ۱۳۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته

نظر به اینکه اخیراً در بین اهالی اشاعه یافته است که بعضی از مدعی الوکاله‌ها در صدد تغییر یا تجدید نظر در بعضی مواد قانون اساسی که با چندین هزارها خون پاک افراد ملت تنظیم شده هستند فوق‌العاده موجب هیجان و اضطراب افکار عمومی طبقات ملت گردیده و احساسات عامه ملت را جریحه‌دار نموده است بطوری که کاملاً مشاهده می‌فرمائید و مستحضر هستید و لذا عموم اهالی لزوماً آن مقام محترم را تذکر می‌دهد که قانون اساسی روح مملکت است و در ردیف سایر قوانین عادی نیست نمایندگانی که برای تقنین در تحت اصول قانون اساسی انتخاب شده‌اند به هیچ وجه حق مذاکره در این باب و نظایر این نخواهند داشت بناء علی بذالک مجلس حاضر اگر بخواهد در اینگونه مسائل داخل مذاکره بشود کاملاً خلاف قانون و خیانت بزرگی نسبت به مملکت خواهد بود و این خیانت بزرگ برای سلب اعتماد ملت از آنان و و قویاً کافی خواهد بود زیرا که قانون اساسی یک مملکت را ملعبه اراده متنفذین قرار دادند و هر وقت که حکومت عادلانه ملی تشکیل شود ملت ایران جزای این خیانت بزرگ را منظور خواهد داشت والسلام علی من التبع الهدی.

مرات‌الذاکرین نماینده محله چاله میدان (رضا مرات‌الذاکرین) سید باقرخان نماینده چاله میدان (باقرالحسینی) اقل حاج سید عبدالحسنی واعظ اف (واعظ اف) حاج سید رضا فیروز آبادی نماینده فیروز آباد و بلوک غار و حضرت عبدالعظیم (رضا حسینی) اقل عبدالوهاب خرازی فروش (عبدالوهاب) محمدحسن الموسوی الهروی نماینده جمعی از معروفین [امضاء ناخوانا] [جمعیت استخلاص حرمین و بین‌النهرین] [و چندین امضاء و مهر دیگر]

### سند شماره ۴/۱

اسناد حاضر در خصوص تغییر اصول قانون اساسی و ماده واحده انقراض قاجاریه توسط جمعی از نمایندگان مجلس مؤسسان ارائه شده است.

ما امضا کنندگان پیشنهاد می‌کنیم که اصول ۳۶-۳۷-۳۸ قانون اساسی به طرز ذیل اصلاح شده و اصل الحاقی ذیل بر قانون اساسی اضافه گردد.  
اصل ۳۶- سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس مؤسسان به شخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود. [در حاشیه] عیناً تصویب شد.

اصل ۳۷- ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بود. در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد ولی در موقعی که فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود. [در حاشیه] تصویب شد.

اصل ۳۸- در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه به این سن نرسیده باشد با تصویب مجلس شورای ملی نایب‌السلطنه از غیر خانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد. [در حاشیه] تصویب شد.

اصل الباقی تجدیدنظر در اصول قانون اساسی منوط برای مجلس مؤسسان است و لزوم انعقاد مجلس مؤسسان را مجلس شورای ملی به اکثریت سه ربع از اعضا حاضر خود باید تصویب نماید.

مجلس شورای ملی قانون انتخابات و نظامنامه داخلی مجلس مؤسسان را تدوین خواهد نمود.

تیمورتاش داور [و امضای جمعی دیگر]

[در حاشیه]

نمره ۳۰۴

تاریخ ۰۲ / آذر ماه / ۱۳۰۴



سند شماره ۴/۲

(مجلس مؤسسان)

یادداشت .....

تاریخ ..... ماه ..... ۱۳۰۴

کمیسیون محترم مطالعه

ماده واحده مصوبه ۹ آبان ماه ۱۳۰۴ راجع به تغییر مواد چهارگانه متمم قانون اساسی (مواد ۳۶-۳۷-۳۸-۴۰) به ضمیمه طرح قانونی که در همین زمینه از طرف جمعی نمایندگان مجلس مؤسسان تهیه و امضا گردیده است برای مطالعه و شور در آن کمیسیون ارسال می‌دارد که در اسرع اوقات راپورت آن به مجلس محترم مؤسسان تقدیم گردد. [امضا صادق صادق (مستشارالدوله)]

[در حاشیه]

نمره ۳۰۴

ورود بدارالانشاء مجلس مؤسسان

تاریخ ۰۲ / آذر ماه / ۱۳۰۴

سند شماره ۴/۳

قانون اعلام انقراض سلطنت قاجاریه و تفویض حکومت موقتی

بشخص آقای رضاخان پهلوی

مصوبه ۹ آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌کند - تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶-۳۷-۳۸-۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.

[در حاشیه]

نمره ۳۰۴

تاریخ ۰۲ / آذر ماه / ۱۳۰۴ [۰۳۱]

سند شماره ۵

این تلگراف از طرف هیئت اتحادیه اصناف و تجار ولایت عراق در اعتراض به نحوه انتخابات مجلس مؤسسان و تجدید انتخابات به مجلس شورای ملی ارسال شده است.

نمره کتاب ....

سنه ۰۳۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از عراق	نمره قبض ۴۷۷۱	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات
به طهران	نمره تلگراف ۲۰۴ فوری ست	۷۲	۲۱ آبان ۱۳۰۴	سواد مطابق اصل است

مقام منبع وزارت جلیله داخلی دام اجلاله پنج روز است عرض حالی بر اینکه حکومت انجمنی برخلاف مواد قانون تشکیل داده و تجدید تشکیل را خواستار شده‌ایم بهیچوجه جواب صادر نفرموده‌اید آخرین استدعا اینکه بفوریت امر بر تجدید فرمائید و تمام اهالی را قرین تشکر و الا چاره جز تعطیل عمومی و تحصن در تلگرافخانه نداریم هیئت تجار عراق هیئت اتحادیه اصناف عراق (تلگرافخانه مبارکه عراق)

[در حاشیه]

نمره ۲۵۵

ورود بدارالانشاء مجلس مؤسسان

تاریخ ۷۱ / آذر ماه / ۱۳۰۴



سند شماره ۴۳



سند شماره ۶  
فهرست نمایندگان مجلس مؤسسان اول

ردیف	اسم	سن	محل انتخاب	عده آراء
۱	آقای کربلانی حسین آقا تبریزی	۴۵	تبریز	۳۶۷۶
۲	آقای حاج شیخ اسداله ممقانی	۴۰	تبریز	۳۳۷۵
۳	آقای محمد صادق خرازی	۴۶	تبریز	۳۳۶۶
۴	آقای میرزا یحیی توتونچی	۴۸	تبریز	۳۳۱۰
۵	آقای میرزا رضا فرشی	۵۰	تبریز	۳۱۱۷
۶	آقای یوسف خان عدلی	۵۲	تبریز	۳۰۰۸
۷	آقای میرزا فرج اله خان بهرامی	—	تبریز	۲۹۴۰
۸	آقای لطف اله خان	۶۰	تبریز	۲۸۵۸
۹	آقای میرزا علی اصغر صدرالمعالی	۶۰	تبریز	۲۸۱۷
۱۰	آقای سیف اله خان اسکندری	۳۸	تبریز	۲۷۲۷
۱۱	آقای شیخ زین العابدین رهنما	۳۴	تبریز	۲۶۸۶
۱۲	آقای میرزا محمود خان	۴۴	تبریز	۲۶۴۴
۱۳	آقای حاج سید مهدی	۵۸	تبریز	۲۵۷۴
۱۴	آقای محمد علی بادامچی	۵۲	تبریز	۲۳۲۰
۱۵	آقای میرزا علی اصغر اسمعیل زاده	۴۰	تبریز	۲۳۱۲
۱۶	آقای حاج میرزا کاظم آقا امامی	۵۵	تبریز	۲۰۵۱
۱۷	آقای میرزا حبیب اله خان آقا زاده	۴۳	تبریز	۱۹۵۲
۱۸	آقای میرزا علی اکبر خان ملک	—	تبریز	۱۷۹۵
۱۹	آقای سید ابوالفتوح	—	اردبیل	۴۶۵۱
۲۰	آقای میرزا آقا خان عصر انقلاب	—	اردبیل	۴۶۴۴
۲۱	آقای میرزا محمد علیخان وکیلی	۴۸	اردبیل	۴۲۰۶
۲۲	آقای دکتر حسین خان (احیاء السلطنه)	—	اردبیل	۳۰۱۹
۲۳	آقای میرزا صادقخان (مستشار الدوله)	—	اهر	۲۳۴۰
۲۴	آقای حاج احمد اهری	—	اهر	—
۲۵	آقای حاج میرزا محمدخان مشایخی	—	سراب	۴۸۶۸
۲۶	آقای هرمزی	۳۹	سراب	۴۶۳۶
۲۷	آقای موسی خان فتوحی	۴۱	مراغه	۳۱۲۱
۲۸	آقای اسکندر خان مقدم	۵۰	مراغه	۳۰۲۴
۲۹	آقای میرزا ابراهیم خان سهراب زاده	۳۵	مراغه	۳۰۰۷
۳۰	آقای میرزا محمد خان پهروی	۴۵	مراغه	۲۸۵۶
۳۱	آقای علیخان حیدری (سالار سعید)	—	ساوجبلاغ	۲۹۲۶
۳۲	آقای محمد صادق خان (اجلال الملک)	۰۶	ساوجبلاغ	۲۷۰۰
۳۳	آقای میرزا رضاخان افشار	—	ارومیه	۳۶۱۱
۳۴	آقای سید محمد حسین مدنی (سیف العلماء)	۸۵	ارومیه	۳۵۹۲
۳۵	آقای حاجی میرزا ابوالقاسم هاشمی (امین الاسلام)	۴۵	خوی	۳۷۱۲
۳۶	آقای حاج میرزا یحیی	—	خوی	۲۴۹۳
۳۷	آقای میرزا جواد خان	—	خوی	۲۳۲۷
۳۸	آقای باقر آقا	۵۳	خوی	۷۹۰
۳۹	آقای شیخ آقا استر آبادی	۵۰	استر آباد	۱۲۶۷
۴۰	آقای سید محمد علی شوشتری	۴۳	استر آباد	۱۲۲۴
۴۱	شاهزاده اکبر میرزا مسعود	۳۹	اصفهان	۵۱۱۰
۴۲	آقای حاجی میرزا علی اکبر	۵۵	اصفهان	۳۷۰۱



۳۰۰۹	اصفهان	۴۲	آقای حاجی میرزا حبیب الله امین	۴۳
۲۲۷۸	اصفهان	۴۰	آقای میرزا علی آقا جهاد اکبر	۴۴
—	اصفهان	—	آقای میرزا سید مهدی خان فاطمی عماد السلطنه	۴۵
—	اصفهان	—	آقای حاج آقا جمال مجتهد	۴۶
۱۱۰۴	قمشه	۵۰	آقای حاج میرزا حسین خان طباطبائی فاطمی	۴۷
۱۰۶۳	قمشه	۳۳	آقای میرزا ابوطالب خان شیروانی	۴۸
۳۲۱۷	نجف آباد	۳۴	آقای غلامحسین میرزا	۴۹
۳۱۷۳	نجف آباد	۴۸	آقای میرزا حسین خان جلانی	۵۰
۳۲۸۴	بروجرد	۴۵	آقای حاج جواد طباطبائی	۵۱
۳۲۷۶	بروجرد	۳۶	آقای حسینقلی خان معظم گودرزی	۵۲
۳۲۱۱	بروجرد	۳۵	آقای میرزا سید احمد خان اعتبار	۵۳
—	بروجرد	—	آقای میرزا یوسف خان مشار (مشار اعظم)	۵۴
۲۳۶۳	خرم آباد	۴۶	آقای شیخ عبدالرحمن مجتهد	۵۵
۱۹۵۲	خرم آباد	۵۰	آقای میرزا حبیب الله خان یمن المک	۵۶
۱۰۶۱	خرم آباد	۴۰	آقای محمد علیخان نظام	۵۷
۱۹۵۷	مشهد	۸۳	آقای میر محمد حسین خان حسابی (عمیدالملک)	۸۵
۱۹۵۷	مشهد	۳۳	آقای حسن آقا	۵۹
۱۵۸۰	مشهد	۴۵	آقای میرزا سید حسین خان	۶۰
۱۴۸۸	مشهد	۳۵	آقای میرزا محمد دانش	۶۱
۱۴۸۴	مشهد	۵۵	آقای ملک ایرج میرزا تیموری	۶۲
۱۳۵۵	مشهد	۵۴	آقای رضا مهدوی	۶۳
۱۴۲۳	مشهد	۴۴	آقای حاج شیخ علی خمسه	۶۴
۱۴۰۷	مشهد	۶۸	آقای میرزا محمد علی رضوی	۶۵
۱۲۲۵	مشهد	۳۳	آقای میرزا سید محمدخان ارجمند	۶۶
۳۲۳۹	دره جز	—	آقای دکتر امیر اعلم	۶۷
۳۰۶۴	دره جز	—	آقای میرزا عبدالله خان (معمد السلطنه)	۶۸
۳۷۲	تبریز	۳۴	آقای میرزا علی آقا بزرگ نیا	۶۹
—	تبریز	—	آقای میرزا سید حسین رئیس التجار	۷۰
۲۲۹۱	سبزوار	۴۴	آقای آقا میرزا حسن آقازاده	۷۱
۱۹۳۱	سبزوار	۴۶	شاهزاده محمد هاشم میرزا	۷۲
۱۳۹۹	سبزوار	۴۲	آقای آقا میرزا طاهر	۷۳
۱۳۸۱	سبزوار	۵۵	آقای حاج محمد حسن (بقراط التولیه)	۷۴
۷۲۱	تربت	۴۲	آقای حاج اسد آقا زوارزاده	۷۵
—	تربت	۵۱	آقای دکتر ضیائی	۷۶
۱۷۵۳	نیشابور	۵۵	آقای حاج شیخ محمد حسین شریعتمدار	۷۷
۱۵۴۵	نیشابور	—	آقای تیمور تاش	۷۸
۷۴۷	قوچان	۴۰	آقای حاج محمد تقی ملک التجار	۷۹
۱۱۷	قوچان	—	آقای طوسی	۸۰
۵۱۹	بجنورد	۴۵	آقای حاج علی اصغر گرمه	۸۱
۳۵۵	بجنورد	۳۱	آقای محمد آقا تبریزیان	۸۲
۲۰۷	تون	—	آقای حاجی حسن آقا ملک	۸۳
۱۸۴	تون	—	آقای سید ابراهیم خان امیر کللال	۸۴
۹۲۴	بیرجند	—	آقای تدین	۸۵
۸۶۴	بیرجند	—	آقای میرزا باقر خان عظیمی	۸۶
۵۲۳	سیستان	—	آقای محمد ولی خان اسدی	۸۷
۵۲۱	سیستان	—	آقای میرزا سلیم خان ایزدی	۸۸



—	زنجان	—	آقای میرزا ضیاء الدین نایب الصدر	۸۹
—	زنجان	—	آقای حاج میرزا مهدی مجتهد	۹۰
—	زنجان	—	آقای سید محمد مجتهد	۹۱
—	زنجان	—	آقای میرزا محمود امام جمعه	۹۲
—	زنجان	—	آقای میرزا عباس مجتهد	۹۳
—	زنجان	—	آقای حاج آقا حسین	۹۴
۳۷۴۱	سمنان	—	آقای میرزا عبدالله یاسانی	۹۵
۳۱۵۰	سمنان	۴۶	آقای حاج میرزا آقا تاجر فامیلی	۹۶
۱۴۵۴	ساوه	۳۰	آقای محمدتقی خان اسعد بختیاری	۹۷
۱۲۵۶	ساوه	۳۳	آقای مرتضی خان کشوری	۹۸
۸۷۸	شاهرود	۴۱	آقای آقا حسین آقایان	۹۹
۳۷۳	شاهرود	۵۶	آقای حاج شیخ مرتضی	۱۰۰
۲۲۸۶۸	طهران	۳۲	آقای احتشام زاده	۱۰۱
۲۲۲۶۰	طهران	۳۹	آقای میرزا علی اکبر خان داور	۱۰۲
۲۱۵۳۷	طهران	—	آقای ضیاءالدین نوری	۱۰۳
۲۱۳۹۲	طهران	۵۵	آقای حاج حسین آقا امین الضرب	۱۰۴
۲۰۳۳۷	طهران	۵۰	آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی	۱۰۵
۱۹۹۶۴	طهران	—	آقای میرزا محمد رضا آیتالهزاده شیرازی	۱۰۶
۱۹۵۹۱	طهران	—	آقای دکتر مهدیخان ملکزاده	۱۰۷
۱۹۲۵۸	طهران	—	آقای شیخ حسین یزدی	۱۰۸
۱۹۶۵۳	طهران	—	آقای حاج رحیم آقای قزوینی	۱۰۹
۱۹۱۱۰	طهران	—	آقای شیخ محمد علی طهرانی	۱۱۰
۱۹۰۵۲	طهران	—	آقای میرزا ابوطالب اسلامی	۱۱۱
۱۸۹۷۰	طهران	—	آقای میرزا حسین خان سمیعی	۱۱۲
۱۸۷۷۹	طهران	—	آقای نظام الدین خان حکمت	۱۱۳
۱۸۲۷۲	طهران	—	آقای میرزا هاشم آشتیانی	۱۱۴
۱۷۸۵۰	طهران	—	آقای سلیمان میرزا	۱۱۵
۱۷۴۵۹	طهران	—	آقای حاج سید محمد اسلامبولچی	۱۱۶
۱۷۱۲۲	طهران	—	آقای میرزت جواد خان دهدشتی	۱۱۷
۱۵۰۶۸	طهران	—	آقای سلطان احمدخان راد	۱۱۸
۱۴۹۹۰	طهران	۴۳	آقای میر عماد نقیب زاده طباطبائی	۱۱۹
۱۱۷۸۶	طهران	—	آقای سید احمد بهبهانی	۱۲۰
۱۱۱۴۶	طهران	—	آقای سید عبدالرحیم کاشانی	۱۲۱
۱۰۷۰۵	طهران	—	آقای میرزا عبدالحسین چینی فروش	۱۲۲
۹۶۲۰	طهران	—	آقای رضا قلیخان نیرالملک	۱۲۳
۶۶۱۳	طهران	۵۵	آقای حاج محمد تقی بنکدار	۱۲۴
۲۷۴۲	حضرت عبدالعظیم	—	آقای میرزا مهدی خان زاهدی (مقومالملک)	۱۲۵
۲۷۰۲	حضرت عبدالعظیم	۵۸	آقای حاج میرزا علی صراف	۱۲۶
۷۹۸	ایوانکی	۳۵	آقای میرزا علی اصغرخان	۱۲۷
۶۲۳	ایوانکی	۵۵	آقای سید علاءالدین بهبهانی (اعتمادالاسلام)	۱۲۸
۲۵۶۳	ساوجبلاغ	۴۰	آقای میرزا یدالله خان نظامی	۱۲۹
۱۴۲۸	ساوجبلاغ	۳۷	آقای حاج میرزا علی قیصریه	۱۳۰
۱۸۶۲	دماوند و فیروزکوه	۳۶	آقای میرزا مجید خان آهی	۱۳۱
۱۸۳۵	دماوند و فیروزکوه	۴۵	آقای میرزا محمد حسین صدرائی	۱۳۲
—	سلطان آباد عراق	۳۱	آقای عزتاله خان بهات	۱۳۳
۳۲۵۵	سلطان آباد عراق	۳۸	آقای مرتضی قلیخان بیات	۱۳۴



۲۲۵۲	سلطان آباد عراق	۴۴	—	آقای حاج آقا اسمعیل عراقی	۱۳۵
۲۲۱۹	سلطان آباد عراق	۵۲	—	آقای حاج میرزا محمود	۱۳۶
۹۹۴	دزفول	—	—	آقای نظام خان مستوفی	۱۳۷
۸۳۸	دزفول	—	—	آقای سید صدرالدین ظهیرالاسلامزاده	۱۳۸
۸۲۸	شوشتر	۴۵	—	آقای حاج سید مهدی علوی	۱۳۹
۶۳۸	شوشتر	۳۸	—	آقای حاج محمد ابریشمکار	۱۴۰
۱۱۶۶	محمره	۵۲	—	آقای میرزا حسین خان	۱۴۱
۱۰۵۱	محمره	۷۰	—	آقای شیخ خزعل خان	۱۴۲
۳۲۰	بنی طرف	۴۶	—	آقای حاج شیخ محمد جواد	۱۴۳
۲۲۰	بنی طرف	۴۰	—	آقای آقا احمد	۱۴۴
۶۱۹۰	شیراز	۳۸	—	آقای میرزا ابراهیم خان قوام	۱۴۵
۵۸۳۸	شیراز	۳۸	—	آقای شیخ محمد علی امام جمعه شیراز	۱۴۶
۵۸۰۲	شیراز	۴۷	—	آقای شیخ جلال الدین رئیس العلماء	۱۴۷
۵۶۳۹	شیراز	۵۵	—	آقای آقا سید جواد محقق العلماء	۱۴۸
۵۶۱۸	شیراز	۴۴	—	آقای حاج غلامحسین ملک التجار	۱۴۹
۵۵۹۸	شیراز	—	—	آقای آقا سید عبدالحسین صدرالاسلام کازرونی	۱۵۰
۵۵۸۲	شیراز	۶۳	—	آقای حاج میرزا احمد خان لاری	۱۵۱
۵۵۷۲	شیراز	۳۲	—	آقای سید محمدتقی گلستان	۱۵۲
۵۵۵۷	شیراز	۵۱	—	آقای آقا علی زارع	۱۵۳
۵۵۱۲	شیراز	—	—	آقای آموزگار	۱۵۴
۷۸۶	فسا	۴۸	—	آقای شیخ محمد تقی ذوالقدر امین الشریعه	۱۵۵
۵۱۵	فسا	۴۲	—	آقای میرزا سید احمد مهذب	۱۵۶
۶۴۵	آباده	۴۰	—	آقای میرزا رضا خان	۱۵۷
۶۳۷	آباده	۴۲	—	آقای میرزا اسمعیل خان	۱۵۸
۹۶۳	بهبهان	—	—	آقای حاج مجتهد شیرازی	۱۵۹
۹۶۳	بهبهان	—	—	آقای میرزا احمد عمارلو	۱۶۰
۶۴۴	بوشهر	۴۰	—	آقای میرزا حسنعلی گلشن	۱۶۱
۶۰۴	بوشهر	۵۱	—	آقای سید حسین تاجر بهبهانی	۱۶۲
۵۹۰	بوشهر	۳۶	—	آقای میرزا جواد	۱۶۳
۵۵۴	بوشهر	۵۲	—	آقای میرزا محمد علیخان منتصر	۱۶۴
۵۸۲	لار	—	—	آقای میرزا علیمحمد خان دهقان	۱۶۵
۵۴۳	لار	—	—	آقای تجدد	۱۶۶
۱۷۹۹	بندرعباس	—	—	آقای میرزا نصراله خان علی آبادی	۱۶۷
۱۰۲۶	بندرعباس	—	—	آقای دست غیب	۱۶۸
۲۰۶۷	چهرم	—	—	آقای میرزا علی اصغر خان حکمت	۱۶۹
۱۹۱۰	چهرم	—	—	آقای اسمعیل خان قشقانی	۱۷۰
۱۱۸۶	قزوین	۳۸	—	آقای سید مرتضی وثوق	۱۷۱
۱۱۳۹	قزوین	۳۹	—	آقای محمد باقر شاهرودی	۱۷۲
۱۱۰۱	قزوین	—	—	آقای شیخ محمد علی ثابت	۱۷۳
۱۰۰۴	قزوین	۶۰	—	آقای حاج سید موسی	۱۷۴
۱۷۸۹	قم	۴۸	—	آقای حاج میرزا علی اصغر حاجب التولیه	۱۷۵
۱۶۷۷	قم	۵۱	—	آقای حاج میرزا علیرضا	۱۷۶
۹۸۳	کاشان	حدود ۶۰	—	آقای میرزا سید حسن	۱۷۷
۹۸۳	کاشان	۴۰	—	آقای میرزا احمد مدیر نراقی	۱۷۸
۶۴۷	کاشان	۴۰	—	آقای میرزا علی محمد مخلوجی	۱۷۹
۶۴۵	کاشان	حدود ۵۰	—	آقای حاجی میرزا علی نقی کاشانچی	۱۸۰



۲۳۶۶	کردستان	—	۲۲	میرزا فرج‌اله خان	۱۸۱
۲۲۲۲	کردستان	۳۱	۲۵	آقای دکتر هدایت‌اله خان فریدی	۱۸۲
۱۹۶۵	کردستان	۴۴	—	آقای میرزا اسداله خان کردستانی	۱۸۳
—	کردستان	—	—	آقای میرزا محمد خان وکیل	۱۸۴
—	کردستان	—	۵۲	آقای عبدالحمید خان سنندجی	۱۸۵
—	کردستان	—	۸۲	آقای حاج میرزا اسداله خان	۱۸۶
۲۵۰۸	سقز	—	۲۵	آقای ملا عبدالعزیز مفتی	۱۸۷
۲۰۵۱	سقز	—	۷	آقای میرزا عیسی خان صدیق اعلم	۱۸۸
۵۸۶۹	کرمانشاه	۹۴	۲۲	آقای علیخان اعظمی زنگنه (امیرکل)	۱۸۹
۵۷۲۲	کرمانشاه	۸۴	۹	آقای سلیمان خان اعظمی زنگنه (امیر مقتدر)	۱۹۰
۵۶۹۲	کرمانشاه	۰۴	۸۲	آقای یحیی خان اعظمی زنگنه (سالار اشرف)	۱۹۱
۵۶۵۱	کرمانشاه	۹۲	۸۷	آقای فضل‌اله خان اعظمی زنگنه (ظهیرالملک)	۱۹۲
۵۶۱۵	کرمانشاه	—	۲۲	آقای هدایت‌اله خان پالیزی (رفعت‌السلطنه)	۱۹۳
۴۵۴۰	کرمانشاه	۹۴	۵۵	آقای غلامعلی میرزا دولتشاهی (مجلل‌الدوله)	۱۹۴
۴۳۱۶	کرمانشاه	۰۵	۲۲	آقای میرزا فتح‌اله خان فروزی (نصیردیوان)	۱۹۵
۲۳۲۵	کرمانشاه	۱۴	—	آقای محمدعلیمیرزا دولتشاهی (مشکوه‌الدوله)	۱۹۶
۱۳۲۷	بیجار گروس	۴۶	۲۵	آقای میرزا علیخان خطیبی	۱۹۷
۱۱۰۹	بیجار گروس	۵۲	۲۲	آقای حاج شیخ محمد حسن	۱۹۸
—	کرمان	—	۲۵	آقای میرزا عبدالحسین خان مجتهد	۱۹۹
—	کرمان	—	—	آقای آقا مهدی	۲۰۰
—	کرمان	—	—	آقای سید العراقرین	۲۰۱
—	کرمان	—	—	آقای میرزا محمدرضا مجتهد	۲۰۲
۹۲۵	رفسنجان	—	—	آقای میرزا شهاب	۲۰۳
۸۵۲	رفسنجان	—	—	آقای شیخ یحیی روحی	۲۰۴
۱۷۶۰	سیرجان	—	—	آقای سید جواد خان بنان	۲۰۵
۱۵۳۶	سیرجان	—	—	آقای غلامرضا خان صدری	۲۰۶
۱۵۱۲	بم	—	—	آقای عطاءاله خان روحی	۲۰۷
۱۴۹۵	بم	—	۱۵	آقای میرزا آقا خان	۲۰۸
—	جیرفت	—	—	آقای آقا شیخ فرج‌اله	۲۰۹
—	جیرفت	—	—	آقای علینقی خان بیگلری	۲۱۰
—	بلوچستان	—	—	آقای سردار علی خان	۲۱۱
—	بلوچستان	—	—	آقای حیدر علی خان	۲۱۲
۲۲۴۸	گلپایگان	۵۵	—	آقای میرزا محمد خان معظمی	۲۱۳
۱۸۲۳	گلپایگان	—	—	آقای میرزا محسن خان نجم آبادی	۲۱۴
۱۹۶۵	محلات	۲۸	—	شاهزاده حیدر قلی میرزا حشمتی	۲۱۵
۱۰۴۴	محلات	۴۲	—	آقای آقا بهاء الدین	۲۱۶
۴۰۲۰	رشت	۵۰	۸۷	آقای آقا سید عبدالوهاب مجتهد	۲۱۷
۳۶۴۹	رشت	۴۵	۲۲	آقای شیخ بهاء‌الدین	۲۱۸
۳۶۲۰	رشت	۳۵	—	آقای اسمعیل آقای مجتهدزاده	۲۱۹
۳۵۲۵	رشت	۳۶	۰۲	آقای میرزا علی آقای چایچی	۲۲۰
۶۹۹	انزلی	۴۲	۸۲	آقای کی استوان	۲۲۱
۶۱۶	انزلی	۵۰	۲۵	آقای مشهدی جبار حسین‌زاده	۲۲۲
۶۹۱۴	طوالش	۴۳	۹۶	آقای حاجی میرزا محمدرضای رفعی	۲۲۳
۶۶۶۱	طوالش	۴۸	۰۲	آقای میرزا حسین هدایتی	۲۲۴
۲۶۳۶	فومن	۴۵	۰۲	آقای آقا میرزا محمد مهدی انشائی	۲۲۵
۲۰۰۶	فومن	۳۷	۰۶	آقای آقا سید یحیی ناصر ندامانی	۲۲۶



۱۸۷۲	لاهیجان	۳۴	آقای آقا محمود آقا	۲۲۷
۱۸۰۷	لاهیجان	۳۸	آقای میرزا علی اکبر تاجر نهاوندی	۲۲۸
۴۱۹۰	ساری	۴۷	آقای سید میرزا علی عمادی	۲۲۹
۳۴۷۵	ساری	۳۹	آقای آقا میرزا حسن	۲۳۰
۳۲۸۵	ساری	۵۳	آقای لطفعلی خان مجد	۲۳۱
۳۱۴۳	ساری	۵۸	آقای میرزا ذبیح اله علی آبادی	۲۳۲
۴۴۸۶	بارفروش	۳۵	آقای میرزا عبدالباقی	۲۳۳
۴۴۱۳	بارفروش	۵۷	آقای شیخ جعفر ثقه الاسلام مجتهد	۲۳۴
۴۱۹۱	بارفروش	۴۰	آقای شیخ علی	۲۳۵
۴۰۶۵	بارفروش	—	آقای میرزا احمد خان شریعت زاده املی	۲۳۶
۳۸۱۹	بارفروش	۶۵	آقای حاج یوسف ملکالتجار املی	۲۳۷
۳۵۷۱	بارفروش	۴۴	آقای میرزا حسین خان دادگر ملکالتجار	۲۳۸
۳۷۶۳	ملایر و نهاوند	۳۵	آقای سید هاشم مدنی	۲۳۹
۳۷۳۹	ملایر و نهاوند	۳۲	آقای اسماعیل خان ظفر السلطان	۲۴۰
۳۷۲۱	ملایر و نهاوند	۵۰	آقای آقا شیخ جلال الدین نهاوندی	۲۴۱
۳۵۹۶	ملایر و نهاوند	۴۳	آقای آقا سید اسمعیل شیخ الاسلام	۲۴۲
۱۳۵۸	همدان	۳۱	آقای نصرت اله خان پرزاد قراگوزلو	۲۴۳
۱۳۹۶	همدان	۴۲	آقای حسن خان فرهمند	۲۴۴
۱۲۰۷	همدان	۵۵	آقای شیخعلی موق	۲۴۵
۱۱۸۳	همدان	۳۵	آقای حسنعلیخان فرمند	۲۴۶
۳۷۷۰	یزد	—	آقای حائری زاده	۲۴۷
۳۷۵۴	یزد	۴۱	آقای آقا شیخ محمد هادی طاهری شیخالرئیس	۲۴۸
۳۷۴۱	یزد	۵۴	آقای میرزا عبدالوهاب ملکالتجار	۲۴۹
۰۴۷۳	یزد	۵۱	آقای آقا سید محمد کاظم یزدی	۲۵۰
۳۷۳۹	یزد	۵۶	آقای میرزا فتحاله خان (مشیرالممالک)	۱۵۲
۳۶۹۶	یزد	۳۵	آقای میرزا علیرضا (صدرالعلماء)	۲۵۲
۱۳۶۴	نائین	—	آقای میرزا محمد علیخان	۲۵۳
—	نائین	—	آقای سلطان محمد خان عامری	۲۵۴
۱۱۲۲	بختیاری	۶۹	آقای نجفقلی خان صمصام السلطنه	۲۵۵
۱۰۴۰	بختیاری	۴۶	آقای غلامحسین خان بختیار (سردار مجتهد)	۲۵۶
—	شاهسون آذربایجان	—	آقای حاج میرزا عبدالعلی دیبا	۲۵۷
—	شاهسون آذربایجان	—	آقای میرزا حسین خان منشور	۲۵۸
۹۰۰	ترکمان	—	آقای آقاجان آخوند	۲۵۹
۹۰۰	ترکمان	۶۶	آقای حاجی رجب آخوند	۲۶۰
۱۱۴۰	قشقایی	—	آقای آقا سید ابراهیم ضیاء الواعظین	۲۶۱
۶۱۲	قشقایی	۳۵	آقای آقا سید عبدالله امام کازرونی	۲۶۲
۷۵۲	خمسه فارس	—	آقای آقا سید یعقوب	۲۶۳
۶۹۷	خمسه فارس	—	آقای میرزا محمد علیخان قوامی شیرازی	۲۶۴
۳۳۶	ارامنه شمال	۴۲	آقای سهراب خان ساکینیان	۲۶۵
۳۳۰	ارامنه شمال	۴۵	آقای دکتر وارثان اوحنیان	۲۶۶
۸۴۴	ارامنه جنوب	۳۸	آقای دکتر آقایان	۲۶۷
۸۰۰	ارامنه جنوب	۵۳	آقای الکساندرخان طونیانس	۲۶۸
۱۱۵۳	زرتشتیان	۵۲	آقای ارباب کیخسرو شاهرخ	۲۶۹
۸۶۱	زرتشتیان	۳۰	آقای ارباب افلاطون	۲۷۰
۱۱۶۴	کلیمیان	۳۶	آقای مسیو هایم	۲۷۱
۱۰۸۸	کلیمیان	۵۰	آقای دکتر آقا خان حکیم معروف	۲۷۲



## اصول چهارگانه از متمم قانون اساسی مصوبه مجلس مؤسسان

**اصل سی و ششم** — سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود.

**اصل سی و هفتم** — ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه ان ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر موقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقا ولایت عهد با او خواهد بود.

**اصل سی و هشتم** — در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر به این سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

**اصل چهلم** — همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور را یاد نموده باشد.

**ماده واحده** — مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶-۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی مصوبه بیست و یکم آذر ماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶-۳۷ و ۳۸ سابق متمم قانون اساسی قرار داده سه اصل مذکور سابق را ملغی مینماید.

این قانون که مشتمل بر چهار اصل و یک ماده است در جلسه بیست و یکم آذر ماه یکهزار و سیصد و چهار بتصویب مجلس مؤسسان رسید.  
رئیس مجلس مؤسسان (امضا)

## پی نوشت ها:

۱. مدیر بخش اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. Usefinia@majlislib.com

۲. اسماعیل سمیتقو، فرزند یکی از خان‌های جزء قبیله کرد بود از حدود ۱۲۶۹ تا ۱۳۰۹. دست به حمله به شهرها و دهات آذربایجان زد و کوشید بقیه قبایل کرد را هم با خود همراه سازد. نقشه‌اش این بود که در بخشی از آذربایجان و کردستان دولتی مستقل تشکیل دهد دولت جدید ترکیه و عناصری در آذربایجان شوروی به او یاری و اسلحه می‌رسانند. دولت ترکیه مخالف قراردادهای مرزی پیشین با ایران بود و می‌خواست بخش‌هایی از آذربایجان را ضمیمه خاک خود کند. از این رو توپ و تفنگ در اختیار ایل سمیتقو می‌گذاشت، آنها را تشویق به دست‌اندازی به ایران می‌کرد، و پس از یورش پناهگاه امن در ترکیه به آنها می‌داد. سمیتقو در سال ۱۳۰۹ در زد و خوردی کوچک به قتل رسید (شرح حال رجال ایران، ج. ۱، صص ۱۳۶-۱۳۷).

۳. شیخ خزعل، ۱۳۱۵-۱۳۲۹. پسر رئیس یک طایفه کوچک عرب بود. برادرش را که جانشین پدر شده بود کشت و خود رئیس طایفه شد. رقیبان زیاد دیگری را هم که سر راهش بودند کور کرد. به کمک بریتانیا والی خوزستان شد، حدود ۲۰ سال حکومت کرد. کم کم بر همه طوایف دیگر عرب ناحیه استیلا یافت. ثروت هنگفتی به هم زد، حدود ۹ لقب از سلاطین قاجار گرفت و پادشاه انگلستان هم نشان شوالیه‌گری (KCSI) به او اهدا نمود، دعوائی او با وزارت مالیه به رضاخان بهانه داد تا او را به تهران بیاورد و در خانه تحت نظر نگهدارد، تا آنکه به مرگ طبیعی درگذشت. (شرح حال رجال ایران، ج. ۱، صص ۴۷۶-۴۷۷).

۴. موتمن‌الملک (حسین پیرنیا)، از حدود ۱۲۵۴ تا ۱۳۲۷. پسر دوم نصراله خان مشیرالدوله در تهران و فرانسه تحصیل کرد، فرانسه و کمی هم انگلیسی حرف می‌زد، پدرش وزیر خارجه بود و پسر در ابتدای خدمتش منشی پدر شد. در ۱۲۹۷ وزیر معارف و در ۱۲۹۹ وزیر مشاور شد. در تمام دوره‌های مجلس از ۱۲۸۵ به بعد شرکت داشت و در دوره‌های سوم، چهارم و قسمتی از پنجم و ششم رئیس مجلس بود. در دوره هفتم نیز به نمایندگی رسید ولی از شرکت در مجلس خودداری کرد. سالها بعد در ۱۳۲۲ در تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد ولی باز هم قبول نکرد. او یکی از خوشنام‌ترین سیاستمداران قرن بیستم ایران بود. سالهای آخر عمرش را در تنهایی زیست و جز دوستانی انگشت‌شمار کسی را نمی‌دید. (شرح حال رجال ایران، ج. ۱، صص ۲۸۸-۲۸۹).

۵. «سند شماره ۵/۲/۲ مجلس مؤسسان. کابینه والا حضرت و قانون تصویبی» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۶. محمدتقی بهار فرزند محمد کاظم صبوری در دوره‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم، پانزدهم، شانزدهم و هفدهم نماینده مجلس شورای ملی بود. روزنامه نویهار توسط وی منتشر می‌شد. همچنین مدت سه سال مدیریت روزنامه رسمی ایران را به عهده داشت. وی هنگام تشکیل کابینه قوام‌السلطنه (۵۲ بهمن ۱۳۲۴) برای مدت کوتاهی به عنوان وزیر فرهنگ معرفی شد. پس از آن مدتی بیمار شد و در سال ۱۳۲۷ بیش از یکسال جهت معالجه به اروپا رفت و سرانجام روز یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۳۰ بر اثر بیماری سل در تهران درگذشت. (زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج. ۲، صص ۹۳-۱۰۰).

۷. سید محمد تدین، ۱۳۳۰-۱۲۶۱. در بیرجند دنیا آمد و تحصیل طلبگی کرد. مدرسه‌ای به نام تدین بنا نهاد، خود مدیر آن شد و اسم مدرسه را برای نام خانواده خویش برگزید. در حزب دموکرات اول به فعالیت پرداخت، در دوره‌های چهارم، پنجم و ششم مجلس به و کالت رسید و در نیمه دوم دوره پنجم و شروع دوره ششم ریاست مجلس را به عهده داشت. در ۱۳۰۵ وزیر معارف شد و متهم گردید بخش عمده بولهای را که برای تحقق هدف نهضت جمهوریخواهی در اختیارش بود، به جیب خود ریخته است و در دی ۱۳۰۶ ناچار استعفا داد. در ۱۳۰۹ مدت کوتاهی والی کرمان شد و سپس در بقیه دوران سلطنت رضاشاه از خدمات دولتی کناره گرفت. در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ به وزارت رسید و باز اتهام سوء استفاده و اختلاس به او بستند و باز تبرئه شد. در اواخر عمر سناتور بود و در آذر ۱۳۳۰ در آمریکا درگذشت. (شرح حال رجال ایران، ج. ۳، صص ۲۳۵-۲۳۷).

۸. دکتر حسین احیاءالسلطنه یا حسین بهرامی، ۱۳۱۹-۱۲۵۵. برادر دبیر اعظم بهرامی است که در دوران رضا شاه چندی نماینده مجلس و زمانی رئیس کل بهداری و مدتی نیز رئیس اداره کل آمار و نفوس بود. وی در مجلس پنجم از طرفداران سردار سپه بود و از مدافعین سرسخت جمهوری. چون مدرس با جمهوری مخالفت می‌کرد وی سیلی محکمی به گوش مدرس نواخت ولی به اندازهای انعکاس آن در افکار عمومی زننده بود که برخی عقیده دارند این سیلی بگوش جمهوری خورد نه به صورت مدرس. (روزشمار تاریخ ایران، ج. ۱، صص ۱۸۳)

«سند شماره ۸/۲/۷/۹۳/۵ عرایض» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.



۹. «سند شماره ۹/۲۷/۹۳/۵ عرایض» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱۰. «سند شماره ۵/۲/۳ مجلس مؤسسان، کابینه والا حضرت و قانون تصویبی» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱۱. سید حسن تقی‌زاده، ۱۲۴۸-۱۲۵۷، پدرش واعظ بود، در تبریز به دنیا آمد و در خانه تحصیل کرد. از ملیون دواآتسه بود، در دوره اول به وکالت مجلس رسید و از نمایندگان مبرز شد. محمدعلی شاه که مجلس را به توپ بست، تقی‌زاده در سفارت انگلیس بست نشست. شاه تحویل او را خواست، ولی سفارتخانه نپذیرفت. سپس مورد عفو قرار گرفت و به اروپا رفت، در ۱۲۸۶ به وطن برگشت و پس از سقوط محمدعلی شاه در ۱۲۸۸ نماینده مجلس دوم شد. سال بعد باز به اروپا رفت و با آنکه در دوره سوم و چهارم هم به نمایندگی رسید برای احراز کرسی خود به ایران برنگشت. در فاصله سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۲ بیشتر در انگلستان بسر برد، سردبیر مجله بانفوذ کاوه بود که تجددگرایی و پذیرش ارزشهای غربی را تبلیغ می‌کرد، از اینرو مورد تکفیر روحانیون قرار گرفته. پس از مهاجرت به ایران در ۱۳۰۳ در دوره پنجم و ششم نماینده مجلس شد و به عنوان نماینده ایران به ایالات متحد رفت. نماینده دوره پانزدهم مجلس بود، سپس به نمایندگی مجلس سنا منصوب گردید و در ۱۳۲۸ رئیس سنا شد. تقی‌زاده مردی بسیار فاضل و مدیری بسیار متوسط بود و ارشدیت او در سلسله مراتب فراماسونری شهرت او را افزونی بخشید (ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ص ۳۹۵)

۱۲. حسین علا، ؟ - ۱۲۶۰، در تهران به دنیا آمد. پدرش محمد علی خان علاءالسلطنه بود. وی در چهار سالگی همراه پدر خود به قفقاز رفت. بعد از مدتی پدرش بجای میرزا ملکم خان، وزیر مختار ایران در لندن شد. در اثر این ماموریت، خانواده خود را به لندن برد. دوره ابتدایی تا لیسانس را در لندن گذراند. بعدها به ایران بازگشت. در انتخابات دوره پنجم از تهران به نمایندگی رسید و هنگام خلع سلسله قاجاریه، جزء اقلیت مجلس بود و با خلع قاجاریه مخالفت نمود. پس از اتمام دوره نمایندگی به سفارت ایران در پاریس منصوب شد و مدت شش سال در این سمت باقی ماند. چندین بار به وزارت رسید. کاملاً به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود. روی هم رفته مردی محافظه کار و موفق محسوب می‌شد. دختر ناصرالملک همدانی نایب السلطنه احمد شاه همسر او بود.

۱۳. حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی، ۱۳۱۸-۱۳۴۱، در اصفهان به دنیا آمد، در مدارس مذهبی تحصیل کرد، متهم به ارتداد شد و به ناچار اصفهان را ترک گفت. یکی از پیشگامان تعلیم و تربیت جدید در ایران بود و بین سالهای ۱۲۷۶ تا تقریباً ۱۲۸۴ چندین مدرسه ابتدایی در تهران بنیاد نهاد. در دوره دوم و پنجم از کرمان به نمایندگی مجلس رسید در ۱۳۰۶ از ایران رفت و تا اندکی پیش از درگذشتش در ۱۳۱۸ به وطن برگشت. دولت‌آبادی شرح حال دلنشینی از خود در چهار جلد تألیف کرده است. (ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ص ۳۹۵)

۱۴. «سند شماره ۲/۳۳/۷۳/۵ صورت خلاصه و مشروح مذاکرات مجلس» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱۵. شیخ حسین یزدی (۱۲۳۳-۱۳۱۱ ش) با وجود اینکه روحانی بود، در میان همپرازهای خود مردی روشن فکر محسوب می‌شد. در دوره‌های اول، دوم و سوم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در سن ۷۸ سالگی در تهران درگذشت. (زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۳، صص ۳۲۵-۳۲۶)

۱۶. شاهزاده سلیمان میرزا محسن اسکندری در آغاز کارمند اداره شهرستانی بود و بعد وارد اداره گمرک شد و در سال ۱۳۲۵ مدیر روزنامه حقوق بود و پس از فوت برادرش یحیی میرزا از طرف مجلس شورای ملی وکیل و در جزو فرقه دمکرات معرفی گردید. در دوره سوم از اصفهان به نمایندگی انتخاب گردید و پس از انشعاب و انقسام فرقه دمکرات شاهزاده حزب سوسیالیست را تشکیل داد. وی در دوره ریاست وزراتی رضا خان سردار سپه به وزارت فرهنگ منصوب گردید. وی شخصی لجوج و از خود راضی بود. اگر به او تعظیم و کرنش نمی‌کردند بسیار بدش می‌آمد و آن شخص را مورد تفرش شدید خود قرار می‌داد. و اگر عضو وزارتخانه بود او را اخراج می‌کرد. (شرح حال رجال ایران، ج ۲، صص ۱۱۲-۱۱۳)

۱۷. در تقسیمات جغرافیایی کشور قبل از اجرای قانون تقسیمات کشور در سال ۱۳۱۶ شمسی، عراق یا عراق عجم نام ولایتی از ولایات ایران بود، تقریباً مطابق شهرستانهای اراک و تفرش حالیه، و حاکم‌نشین آن سلطان‌آباد بود. ولایت عراق مشتمل بود بر سلطان‌آباد و حومه و بلوک فرهان، کزاز، سریند، آشتیان، گرگان، تفرش، رودبار، بزچلو، وفس، شراه و خلجستان. (دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ب ۱، ص ۱۷۵۶)

۱۸. «سند شماره ۵/۴/۱ مجلس مؤسسان، شکایت از انتخابات» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱۹. نظامنامه انتخاب اعضای مجلس مؤسسان در ۱۴ ماده تنظیم گردید و به امضای رئیس حکومت موقتی رسید.

۲۰. تعداد و اسامی مذکور عیناً از کتاب اعتبارنامه نمایندگان که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است استخراج شده است.

۲۱. نظامنامه داخلی مجلس مؤسسان در ۶۵ ماده تنظیم گردید و روز ۱۲ آذر ماه ۱۳۰۴ ش به امضای رئیس حکومت موقتی رسید.

۲۲. صادق صادق (مستشارالدوله)، از ۱۲۴۴ تا ۱۳۳۱، از خانواده مشهوری در تبریز بود. عمویش، محسن خان مشیرالدوله سفیر ایران در قسطنطنیه بود. صادق سالها در آنجا خدمت کرد و سپس در ۱۲۸۵ به نمایندگی دوره اول و در ۱۲۸۹ به نمایندگی دوره دوم مجلس رسید. از هواداران پر و پا قرص مشروطه بود و به همین جهت محمدعلی شاه او را از ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۹ زندانی کرد. در ۱۲۹۰ وزیر داخله و در ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ و باز در ۱۲۹۶ وزیر پست و تلگراف شد. هوادار آلمان بود و به اصرار سفارت انگلیس به شهرستان دورافتاده‌ای تبعید گردید. در ۱۳۰۴ رئیس مجلس مؤسسان شد و در سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۴ سفیر ایران در ترکیه بود. آخرین مقام دولتی او وزیر مشاور در کابینه ۱۳۳۱ قوام بود. (شرح حال رجال ایران، ج ۲، صص ۱۶۶-۱۶۸)

۲۳. پرسی لورن، ۱۸۸۰-۱۹۶۱ م، در شمال انگلستان بدنیا آمد، در ۱۹۰۴ به وزارت خارجه بریتانیا پیوست و ۳ سال اول خدمت خود را در ترکیه گذراند. در ۱۹۰۷ با سمت دبیر سوم به تهران آمد و دو سال در اینجا ماند. در ژوئیه ۱۹۲۱ کوزن بالاترین مقام دیپلماتیک تهران را به او سپردند. در سن ۴۰ سالگی او جوانترین منصوب این پست حساس بود. پس از تهران او وزیر مختار بریتانیا در آتن و سپس در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۴ کمیسار عالی در مصر گردید. لورن دوست نزدیک آنتونزک بود و ترکیه و انگلستان را با وجود دخالت نظامی انگلیس در ترکیه پس از جنگ جهانی اول، در حال دوستی و مودت نگه داشت. در ۱۹۳۹ سفیر بریتانیا در ایتالیا شد. با ورود ایتالیا به جنگ به طرفداری آلمان در ژوئن ۱۹۴۰، لورن به وطن برگشت و بازنشسته شد. لورن یکی از دیپلماتهای استثنائی بریتانیا است که زبردست هفت وزیر خارجه: بلفور، کوزن، آستین چیمبرلن، هندرسن، سیمون، آیدن و هلیفکس کار کرد. (ایران برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ص ۳۰۹)

۲۴. «سند شماره ۹/۲۷/۹۳/۵ عرایض» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲۵. «سند شماره ۵/۶/۵ مجلس مؤسسان، صورت خلاصه و مشروح» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۲۶. «سند شماره ۵/۶/۶ مجلس مؤسسان، صورت خلاصه و مشروح» آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

## منابع:

ایران. قانون اساسی (۱۳۵۶). **قانون اساسی اصلاحات و سیر تکامل آن**. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی.

ایوانف، م. س (۱۳۵۶). **تاریخ نوین ایران**. تهران: بی‌نا.

بامداد، مهدی (۱۳۴۷). **شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری**. تهران: زوارچ.

پارسا نژاد، امیر (۱۳۸۳). **کش و قوس تغییر**. قابل دسترسی بصورت پیوسته در سایت: [www.sharghnewspaper.com/830922/html/hist.htm](http://www.sharghnewspaper.com/830922/html/hist.htm)

برتران، رونه (۱۳۸۱). **انقراض سلسله قاجاریه**. ترجمه عطا آیتی. گنجینه اسناد، س ۲۱ (ش ۴۷-۴۸).

دلفانی، محمود (۱۳۷۹). **انتخابات مجلس مؤسسان**. گنجینه اسناد، س ۰۱ (ش ۳۷-۳۸).

شهبازی، عبدالله (۱۳۸۳). **زندگی و زمانه علی دشتی**. قابل دسترسی بصورت پیوسته در سایت: [www.shahbazi.org/pages/dashti3.htm](http://www.shahbazi.org/pages/dashti3.htm)

طهماسب، عبدالله (بی‌نا). **تاریخ شاهنشاهی رضا شاه پهلوی**. تهران: مطبوعه مجلس.



عاقلی، باقر (۱۳۷۴). نخست‌وزیران ایران. تهران: جاویدان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: گفتار.

غنی، سیروس (۱۳۷۸). ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها. ترجمه حسن کامشاد. تهران: نیلوفر.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.

گلشائیان، عباسقلی (۱۳۷۷). گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من. تهران: انیشتین.

مرسلوند، حسن (۱۳۶۹). زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ه.ش). تهران: الهام.

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من. تهران: زوار.

مکی، حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران. تهران: علمی.

نیازمند، رضا (۱۳۸۱). رضاشاه از تولد تا سلطنت. تهران: جامعه ایرانیان.

M. 16

۱۱۰۲



اداره تلگرافی دولت علیه ایران

شماره کتاب ۱۳۰ ۲

شماره کتاب	شماره فهرست	شماره کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۱۳۰ ۲	۳۱۴	۴	۱۶/۱/۱۳۱۲		۹/۱۷	

سردسته به شاه و هیئت امین و هیئت مدیران در این خصوص چه کردید که به جهت رفع مبرمتهای ایشان  
 کمیته مختصی مختص به این امر در ایران تشکیل شود تا به جهت رسیدن در صورت  
 لزوم از دست ممبران و هیئت مدیران در این خصوص در تمام بلاد ایران برای  
 نقل باین مقصد دایره‌های مختلف و نیز جواب باین امر در محکمات ایشان در دست  
 دولت باشد لذا نظر باینکه نمایندگان تمام ممبران در مرکز و فرد ممبران در تمام  
 نقاط ممبران در تمام بانهاست به صبر در فرات تا رفع اعیان و مبرمتهای تمام  
 ممبران و هیئت امین و هیئت مدیران با اینکه در این خصوص از دست ممبران در تمام  
 بلاد و با هر قدر در این خصوص در تمام ممبران و هیئت مدیران در تمام  
 خواهم نمود نمایندگان و هیئت امین و هیئت مدیران در تمام ممبران در تمام  
 محمد باقر میرزا و دیگر بزرگان و آقایان محترم



۵۲  
تاریخچه



تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۴۴  
مطابق ۲۹ برج صورت نیل ۱۳۰۲

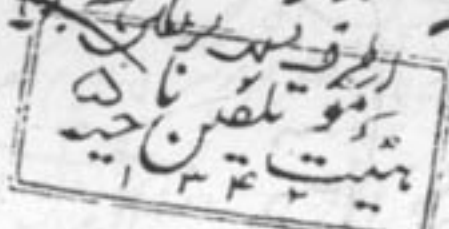
هیئت مؤلفین ناحیه پنج قنات ایلاد  
طهران



نمبر ۹۳  
ضمیمه ۸

در نظر ریاست محترم مجلس مقدس شرعی  
 مقام محترم نمایندگان محترم مجلس مقدس شرعی  
 به موجب یک نزوات محرم نهضت ریاست شکست فاعل مکتب ابراهیم  
 دانش نظام مقدس ریاست بهر بهمن در کافه برای دعوت تا نزل اسرار  
 سلامت و نظایات تقریرات در جریان این صحنات غیره بر غیره  
 دانگاردن عقیدات کجف نمایندگان، جدیت نیست در اقرار  
 ذمه در حفظ حدود نمایندگان خود میسر در صرفاً در هر یک اداره این  
 رفیضه با نگاهداری مقام مقدس ریاست تمام باشد لذا این هیئت  
 نامه در جریان ریاست تمهید می کند در این باره خود در هیئت با  
 نظام محمد اسلام تالی، سید در هر نمایندگی محرم نهضت اظهار در  
 هیئت نمایندگان عدله نه حفظ ذمب در جریان این گروه آثار  
 در هر هیئت ریاست خود را ذمه دارد تا کار نیست خود کیر از

تکرار نظائر این قدر تصایر را در هیئت  
 در هر هیئت ریاست  
 هیئت مؤلفین ناحیه پنج قنات ایلاد



۵۳  
تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۴۴



بسم الله الرحمن الرحيم



سهم گمراهی است که در این کتاب

۱۲۴۴  
کتابخانه ملی افغانستان

نظر است چنانچه این کتاب در شهر کابل در سال ۱۲۴۴ خورشیدی در کتابخانه ملی افغانستان  
چونکه از آن جهت بطور مدتی در شهر کابل و در کتابخانه ملی افغانستان  
دولت اسلامی که بهر جهت به جهت شهرت از آنجا که در این کتاب  
بسیار است و در این کتاب در شهر کابل و در کتابخانه ملی افغانستان  
بسیار است و در این کتاب در شهر کابل و در کتابخانه ملی افغانستان

و السلام علی من اتبع الهدی  
بسم الله الرحمن الرحيم  
صالح عبدالرزاق صاحب قلم

آبراهیم عیسی کاکړ غلام احمد  
صالح عبدالرزاق صاحب قلم  
را







M. 16



اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمبر کتاب

۱۳۰

از کتاب	نمبر فهرست	نمبر کتاب	تاریخ میل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۱۱	۴۲۷۱	۷۲	۱۳۰۲	مجموعه کتابت		

مجموعه کتابت عهد قاجار و قاجاریه در عهد ناصرالدین شاه قاجار  
 و کتب دیگر را که در این مجموعه است در فهرست کتابت امروزی درج شده و تمام آنرا  
 در این شماره درج شده و در فهرست امروزی درج شده است.

۲۵۵

در فهرست کتابت  
 شماره ۱۱ از شماره ۱۲۰

ردیف	اسم	نمبر کتاب	تعداد	تاریخ کتابت	تاریخ وصول	توضیحات
۱	آثار کتب مشتمل بر...	۲۶۷۴	۱			
۲	مجموعه کتب...	۲۴۷۵	=			
۳	مجموعه کتب...	۲۳۶۶	=			
۴	مجموعه کتب...	۲۳۱۰	=			
۵	مجموعه کتب...	۲۱۱۷	=			
۶	مجموعه کتب...	۲۰۰۸	=			
۷	مجموعه کتب...	۲۹۴۰	=			
۸	مجموعه کتب...	۲۸۵۸	=			
۹	مجموعه کتب...	۲۸۱۷	=			
۱۰	مجموعه کتب...	۲۷۲۷	=			
۱۱	مجموعه کتب...	۲۶۸۶	=			
۱۲	مجموعه کتب...	۲۶۲۴	=			
۱۳	مجموعه کتب...	۲۵۷۴	=			
۱۴	مجموعه کتب...	۲۳۲۰	=			

۵۶





# قانون

اصول چهارگانه از متمم قانون اساسی مصوبه مجلس مؤسسان

اصل سی و ششم - سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص علیحده

شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعتقاد ذکور ایشان سلاطین قوا خواهد بود

اصل سی و هفتم - ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود -

در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد حسب پیشنهاد شاه و تصویب

مجلس شورای ملی خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در هر

موقعی که پسر برای پادشاه بوجود آید حاکم ولایت عهد با او خواهد بود.

اصل سی و هشتم - در موقع اشغال سلطنت ولیعهد وقتی می تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود

که دارای پست سال تمام ششمی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده

قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

اصل نهم - همیطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه

قسم مزبور فوق رایا و نموده باشد.

ماده واحده - مجلس مؤسسان در اصل ۳۶ - ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی

مصوبه پست و یکم اوزما ۱۳۰۳، راجبای به اصل ۳۶ - ۳۷ و ۳۸ سابق

متمم قانون اساسی قرارداد داده به اصل مذکور سابق را لغو میداند.

این قانون که مشتمل بر چهار اصل و یک ماده است در جلسه پست و یکم اوزما یکم اردیبهشت

چهارم تصویب مجلس مؤسسان رسید.

مجلس مؤسسان